

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران*

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز سه‌شنبه هفدهم تیرماه ۱۳۵۹

صمد شجاعیان .

فهرست مندرجات

۳- ادامه بحث پیرامون رد اعتبار نامه آقای خسرو ریگی .

۴- پایان جلسه و تاریخ تشکیل جلسه آینده.

۱- اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتر یدالله سجایی (رئیس).
۲- بیانات قبل از دستور آقایان ایرج صفاتی دزفولی، سیدعلی خامنه‌ای و

جلسه ساعت نه و بیست دقیقه به ریاست آقای دکتر یدالله سجایی تشکیل شد

۱- اعلام رسمیت جلسه و بیانات آقای دکتر یدالله سجایی (رئیس)

بسم الله الرحمن الرحیم، رب‌الشرح‌لی صدری ویسرلی امری واحلل عقده من
لسانی یفقهوا قولی. قرائت این آیات مکرمه را از نظر تمسک واستعانت خودم از
درگاه پروردگار برای اینکه اصولاً نقص و کسری که در کلام دارم انجام دادم و
ضمناً هم خواستم تاحدی آسایش و آراشی مخصوصاً برای آقای آقا محمدی که
خیلی مشتاق هستند کلمات پروردگار در مجلس قرائت بشود حاصل شود. البته
من دور از بیان مرتب این اندازه برایشان آراش ایجاد بکنم، در صورتی که
طالب مفاهیم کلمات باشند که البته همینطور هم هست ان‌شاءالله از فردا آنطور
که می‌خواهند قبل از تشکیل جلسه رسمی مجلس آیتی قرائت خواهد شد.
یکی از نمایندگان در ابتدای جلسه باشد پس از اینکه جلسه رسمیت یافت
حداقل ده دقیقه آیات قرآن تلاوت شود.

رئیس- عمل خواهد شد. چند مطلب است که می‌خواهم حضور آقایان
بگویم زیرا دیروز آقایان مطالبی داشتند. یکی راجع به پرونده آقای قشقائی است
که چرا مطرح نمی‌شود. انتظار داشتم که خود آقایانی که وارد هستند توضیح
بدهند ولی توضیح داده نشد ناچار برای اینکه رفع سوءتعبیر و سوءتفاهیم بشود
این موضوع را یک کمی روشن‌تر و واضح‌تر برای مجلس توضیح بدهم و آقایان را
مستحضر کنم. عرض کنم وقتی که اعتبارنامه‌ها در یکماه قبل مطرح بود سرو
صدائی راجع به آقای قشقائی برپا شد و اعمالی در خارج انجام گرفت که ایشان
موقتاً بازداشت شده بودند. بنده وظیفه خود دانستم که از نظر حفظ حیثیت مجلس
همانطور که بارها به آقایان هم متذکر شده‌ام چیزی که مورد علاقه من است و
جزء وظیفه خود قرار داده‌ام تا این اندازه که در این مقام هستم و مقدرم می‌باشد
حیثیت و مقام مجلس و نمایندگان آن را از نظر نمایندگی مردم حفظ کنم و حفظ
حیثیت بشود و از نظر آن وضعی که برخورد می‌کند به مقام نمایندگی عمل لازم را
کرده‌ام. و در این جهت مکاتبه لازم را کرده‌ام به اطلاع مجلس هم رسانیده‌ام
و مخصوصاً آن‌طور که معمول هست و بعضی از مطالب را با آقایان رؤسای شعب
مطرح می‌کنم که بعداً توضیح خواهم داد. البته تقید اخلاقی که همیشه برای
خودم قرار داده‌ام مگرراً افراد مختلفی به بنده مراجعه کرده بودند که این
سروصداهائی که در مملکت پیدا شده و این وضع نامطلوبی که احیاناً گفته میشود در
جنوب بوجود آمده، فعلاً هر چه امکان دارد موضوع پرونده آقای قشقائی رابه
تعویق بیندازید چون بالاخره مطرح خواهد شد و مجلس هم تصمیم خواهد گرفت
من هم گفتم که مسأله اخلاقی من را موظف می‌کند که در این باره ناسی‌نیاورم
ولی خوب انتظار داشتم که آقایانی که قبلاً به من این تذکره دادند، خود آقایان در
این مورد توضیح می‌دادند که اقلاً رفع سوءتعبیر و سوءتفاهم از مجلس بشود.

یکی از نمایندگان- نظر اکثریت...

رئیس- آقا خواهش می‌کنم اجازه بدهید من حرفم را بزنم و شما گوش بدهید
زیرا در بیان این مطلب من ناچار می‌شوم که مطلب را بریم و مطلب به دراز خواهد
کشید و حداقل شاید موفق هم نشوم آن منظوری را که می‌خواهم انجام دهم
بانجام برسانم. مگر این موضوع رابه من گفتند و این روش خود من هم بوده ولی
قبلاً بایستی به کمیسیون تحقیق بروم و پرونده به کمیسیون تحقیق هم فرستاده شد
خود این آقا تقاضای کتبی کردند که البته اگر فراموش نکرده باشم و درست در
خاطر من باشد در حدود یک هفته یا ده روز مهلت خواسته بودند برای اینکه مدارک
دفاعی خودشان را تهیه کنند. مسافرتی هم بکنند من عیناً این تقاضای استمهال
را به کمیسیون تحقیق فرستادم و آقایان هم به همین طریق عمل کرده بودند و در
انتظار بودند و به درازا کشید و زودتر نتوانسته بودند مسأله تحقیق را کامل
کنند و نتیجه در کمیسیون تحقیق هم یک قدری طول کشید. بعد گزارش
کمیسیون تحقیق آماده شد و متذکر هم بودیم که آقایان توجه داشته باشند و
کوشش کنند که خود او هم در کمیسیون بیاید و دفاع کند و گویا کمیسیون
تحقیق هم به این کار اقدام کرده بود و لکن ایشان مراجعه نکرده بودند و از
مهلتی هم که خواسته بودند یک قدری دیرتر هم شد در نتیجه گزارش کمیسیون
تحقیق آماده گردید و به هیأت رئیسه فرستادند در هیأت رئیسه هم ما این انتظار را
داشتیم که ایشان خودشان حضور داشته باشند تا پرونده ایشان را مطرح کنیم.
باز هم چند روزی متذکر به این بودیم و ایشان حاضر نشدند. همین دیروز نامه‌ای
نوشتیم که آقای انصاری متن آن را تهیه کردند و من هم متن را دیدم و تجدیدنظری
هم در عبارات آن کردم و به ایشان صریحاً اعلام میشود که پرونده ایشان
باید در مجلس مطرح بشود و هر چه زودتر باید بیایند و پنج روز مهلت داده
شده که ایشان در مجلس حاضر بشوند و اگر در این مدت مقرر ایشان در مجلس
حاضر نشوند مجلس غیباً در مورد ایشان رسیدگی خواهد کرد. امروز که این
نامه آماده شد بنده با تذکرات دیروز آقایان این مهلت را هم کم کردم و
تبدیل به سه روز کردم که ایشان در این مدت حاضر بشوند و اگر لازم باشد
از وسایل ارتباط جمعی استفاده می‌کنیم و به ایشان می‌گوئیم که ایشان
خودش را آماده کند که ما عملی بر خلاف اصل و بر خلاف اخلاق
و آن شایستگی که مجلس باید داشته باشد انجام ندهیم، بنا بر این ملاحظه
کنید آن چه را که مقدور بوده و لازم بوده است که من از نظر حفظ حیثیت
مجلس عمل بکنم در این باره کرده‌ام. بنا بر این من فکر می‌کردم آقایانی که
تا به حال از من تقاضای استمهال کرده بودند از نظر مسائلی که در مملکت
هست و ناآرامی هائی که احتمالاً امکان داشت ایجاد بشود، من از این آقایان

*- در جلسه علنی شماره بیست و یکم (۱۳۵۹/۴/۳۱) با تصویب ماده واحده‌ای نام «مجلس شورای ملی» به «مجلس شورای اسلامی» تغییر یافت .

بنده شخصاً فکر می‌کنم که از نظر حفظ حیثیت مجلس این قطعنامه‌ها و این چیزهایی که گفته میشود در مصلحت و صلاحیت و حیثیت مجلس نیست. بعنوان مثال یکی از آقایان تشریف می‌آورند و بعنوان نطق قبل از دستور از وقتشان استفاده می‌کنند و آقایان هم یک‌الله اکبر در کنار آن می‌گویند و این در نظر آقایان مصوب در نظر گرفته میشود. و چون من می‌بینم شرایطی باید برای این تصویب انجام بشود انجام نشده است می‌گویم حیثیت مجلس ایجاب نمی‌کند که ما اینطور عمل کنیم مثلاً یک مسأله خصوصی است و آقایان هم یک چنین امضائی را می‌کنند بنده از نظر شخصی معتقدم که از نظر حفظ حیثیت مجلس این طرز عمل صحیح نیست چون بخصوص ماهوز وارد مرحله قانونگذاری و مصوبات عمومی نشده‌ایم و باید انتظار شورای نگهبان را هم بکشیم تا هیأت رئیسه دائمی معین بشود آن وقت است که مجلس وارد دوره قانونگذاری میشود و مصوباتی می‌تواند داشته باشد. حالا آقایان تعجیل می‌فرمایند و مسائل خصوصی را مطرح می‌کنند و یک مقدار هم آقایان علاقمند و مشتاق هستند که حتماً از پشت تریبون و میکروفون بگویند و حالا ضبط هم بشود و به نمایش هم گذاشته بشود.

من نمی‌خواهم دیگر وارد این مسائل بشوم باید بگویم اینها با آن نظر شخص بنده بانظر اخلاقی بنده و با آن قیودی که داریم مباحثت دارد از این رو است که من یک مقداری در این مسائل کوتاه می‌آیم و روی موافقی نشان نمی‌دهم و نمی‌خواهم با آقایان مخالفتی کرده باشم و معذک عمل میشود یکی دیگر از این مسائل که باید خدمتان بگویم مثلاً راجع به مسأله نام مجلس است که آقایان در این مورد عمل می‌کنند. آقای خلخالی هم قبلاً در این خصوص خیلی اصرار داشتند بنده در این مورد خودم به ایشان هم گفتم که بسیار بنده در این باره متأثر بودم گفتم استدعا می‌کنم که نگذارید در این مجلس طوری بشود که نام من در مقابل نام امام مطرح بشود و بالاخره خودم رفته و با امام صحبت کردم، در آن جا گفتم که بوسیله من و با آن تقریر من تمام نمایندگان مجلس قسم یاد کرده‌اند، قسم صریح یاد کرده‌اند که نسبت به قانون اساسی مطیع باشند و قانون اساسی را محترم بشمارند و این یک مسأله‌ای است که قریب هفتاد بار در قانون اساسی ذکر شده است من از این نظر که تمام کوشش من این است که مبادا تزلزلی در این امر پیدا بشود نگران این اصل بودم و خواستم که تا بحال به این مسأله برخورد نکنیم و آن را مجلس شورای ملی بگوئیم اینقدر این مرد سعه صدر دارد که بعد از اینکه بیان بنده را شنیدند فرمودند که این موضوع را بگذارید در اختیار مجلس باشد و در آنجا مطرح کنید و تصمیم‌گیری کنید ایشان به خود من فرمودند که به آقایان بگوئید تأمل فرمایند تا مجلس وارد دوره قانونگذاری بشود و همین موضوع را مطرح کنید و همانطور که مجلس صلاح دیدند و صواب دیدند همان را عمل کنید.

خلخالی - امام جواب شمارا در بیاناتشان فرمودند.

رئیس - ملاحظه فرمائید تمام این مسائل را بنده فقط برای این گفتم که مبادا نام من در مقابل نام امام مطرح بشود و برای این ذکر کردم که سعه صدر این مرد را ملاحظه فرمائید که به نظر مجلس می‌گذارند.

خلخالی - شما هم اصرار نکنید، تصویب کنید که اسم مجلس، مجلس شورای اسلامی باشد.

رئیس - این تصمیم باید زمانی گرفته بشود که مجلس در مرحله تصمیم‌گیری باشد باید در آنجا مطرح بشود و شورای نگهبان هم باشد و این موضوعی است که باید با تفسیر قانون اساسی انجام بشود بنا بر این من وظیفه اخلاقی و ملی خودم

خلخالی - آقا امام مسأله را فرمودند امام زنده است، چرا شما حرف امام را توجیه می‌کنید.

رئیس - به من گفتند.

خلخالی - به من هم گفته‌اند، این حرف‌ها چیست؟ به همه ملت گفتند. رئیس - بله به من گفتند. همین چیزی را که به من گفتند من هم بیان می‌کنم و امام هم خواهند شنید و اگر چیزی خلاف واقعیت باشد لابد ایشان متذکر میشوند.

خلخالی - امام حتی معترض هم شدند. امام فرمودند که حتی این جا اگر بگوئید کاخ سنا معنایش این است که کاری میخواهیم بکنیم شما چرا اصرار می‌کنید در یک امر باطل؟

رئیس - شما بنشینید آقا، وقتی من دارم حرف می‌زنم شایسته شما این

انتظار داشتم که دیروز آن‌ها هم مطلبی می‌گفتند اما چون نگفتند و بدون اینکه من باز هم آن تقید اخلاقی خودم را بگویم که ذکر می‌کنم از آقایان بکنم، امروز بهتر دانستم که خودم در این مورد صحبتی برای آقایان عرض بکنم، مطالب دیگری دیروز در مجلس مطرح شد، که یکی موضوع تفسیر و تأویل این مقررات آئین نامه بود. آقایان ملاحظه فرمایند که این دوره مجلس سنی تا به حال منحصر است زیرا تا به حال یک چنین دوره‌ای برای دوره‌های قانونگذاری نبوده است که یک مجلس سنی این اندازه پر دوام باشد و احیاناً موضوع‌های حاد و مختلفی هم در آن مطرح بشود برای اینکه این دوره اولین دوره جمهوری است و من بعد هم نخواهد بود زیرا در آینده مسلماً آئین نامه‌ای خواهد بود که دوره سنی بر طبق همان آئین نامه عمل خواهد شد و تکالیف معین شده، حدود معین شده و طرز اداره و انضباط مجلس هم در آن آئین نامه معین شده است. متأسفانه من در دوره‌ای گرفتار شده‌ام که وسیله اداره من، یعنی آن چه را که در اختیار من هست همین چهار صفحه مقرراتی است که به اسم قانونی که مصوب شورای انقلاب است در اختیار من و در اختیار هیأت رئیسه گذاشته شده و من باید به این وسیله مجلس را اداره کنم البته باید بگویم که خیلی از مطالب آن ناراست است و به مشکلی که برمیخوریم مطلب را نمی‌رساند خوب من چه باید بکنم آنطور که باید مشورت کنم، مسلماً خیلی از دوستان و همکاران ما عضو هیأت رئیسه هستند و خیلی از مطالبی که باید به اطلاعشان برسد، میرسد و با مشورت خود آقایان رؤسای شعب تصمیم می‌گیریم. آقایان باید بدانند که رؤسای شعب منتخب خود شما هستند شما همه وابسته به یک شعبه هستید و رئیس را خود شما انتخاب کرده‌اید و منتخب شماست و مضافاً بنده فکر می‌کنم که وقتی من در موردی با این آقایان رؤسای شعب مشورت کردم، خود این آقایان مطالب را به اطلاع شما هم می‌رسانند.

یکی از نمایندگان - رسانده‌اند هیچ کاری در این مورد نکرده‌اند.

رئیس - خواهش می‌کنم اجازه فرمائید بنده صحبت را تمام کنم و اگر مطلبی دارید یادداشت فرمائید و تأمل فرمائید و بگذاریم من حرف تمام بشود اگر مطلبی داشته باشید بعداً خواهید فرمود. بنده در هر موردی رؤسای شعب را دعوت کردم البته گاهی اوقات همه آنها هم حاضر نبودند ولی وقتی اکثریت حاصل بود ما مطالب را با این آقایان مطرح می‌کردیم، هر وقت تصمیمی در جلسه مشورتی گرفته میشد و موردی پیدا می‌کرد بلافاصله من آن مورد را در جلسه اجرا می‌کردم من باب مثال بنده عرض می‌کنم که یک گرفتاری پیدا شد در مورد اینکه « وقتی یک مخالف صحبت می‌کند آیا قائم مقام یا فرد دیگری هم میتوانند معا برای او صحبت کنند » بنده دیدم که آئین نامه تصریح نداشت و عرضه کردم به آن شعبه البته به ناچار باید این‌جا ذکر کنم که برای همین موضوع آقای حسین جانی بود و دفاع جانبی که آقای خلخالی بنا بود از ایشان بکند. بنده مقاومت کردم که آقای خلخالی صحبت نکند برای اینکه خود ایشان بیایند و من هم این موضوع را مطرح کردم ولی آقایان تجویز نکردند که ایشان هم بیایند و خودش صحبتش را بکند و به همین علت بود که بنده در تنفسی که دادم بلافاصله آمدم و از آقای خلخالی هم خواهش کردم که ایشان هم آمدند و صحبتشان را کردند. مورد دیگری هم پیدا شد که من در تعبیر و تفسیر آن با آقایان مشورت کردم و تصمیم گرفتیم و بعد من آنرا اجرا کردم.

یکی دیگر از مسائل راجع به صحبت‌های قبل از دستور بود وقتی بنا آقایان در این مورد صحبت کردم آقایان خودشان گفتند که معلوم نیست یک نفر چقدر می‌خواهد حرف بزند و تا چه اندازه صحبتش ادامه پیدا می‌کند در همان جلسه خود آقایان پیشنهاد کردند که برای هر نفر پنج دقیقه در نظر گرفته بشود. و همانطور که به اطلاع رساندیم در مورد نوبتها هم چون همیشه مشکلاتی پیش می‌آمد و هر کسی می‌گفت من می‌خواستم در فلان روز بخصوص صحبت کنم و یا یستی به موقع صحبت می‌کردم با مشورت آقایان قرار شد که تا بلوئی بگذاریم و همین عملی که الان دارد انجام میشود و مقدار وقتی که معین شده است، تمام اینها بر مبنای آن اصلی است که در کمیسیون مشورتی روی آن تصمیم گرفته شده است و ما امروز به آن عمل می‌کنیم یک موضوعی را با عذرخواهی در حضور شما - و باره این را تکرار می‌نمایم که تقیدهای خاصی است که بنده اخلاقاً دارم و خیلی از مسائل هست که بنده بنا به سلیقه و وظیفه دینی و وظیفه اخلاقی و به تناسب سن و بنا به وظیفه ملی که در خودم سراغ دارم به اینها پای بند هستم، مثلاً

است که تأمل بفرمائید که حرف من تمام بشود، مجلس است و تصمیم گیری بگذارید من تکریم کنم علوهمت ایشان را (خلخالی - باید حرف ایشان عمل بشود) به من این طور گفتند و من هم ناگزیرم این مطالب را عرض کنم چون دیروز از طرف آقای خامنه‌ای و از طرف آقایان دیگر این مطالب این جا عنوان شد. آن چه را که اینجا در تعبیر و تفسیر مواد شده با مشورت رؤسای شعب بوده است. من مطالبی را که می‌بایستی عنوان کنم در این جا گفتم و بنابراین انتظار دارم که نمایندگان مجلس تحمل و لیاقت خودشان را نشان بدهند که اهل بحث و فحص هستند و شایستگی خودشان را هم نشان بدهند این بود سخنان من، حالا به نوبت آقایان قبل از دستور صحبت بفرمایید.

انصاری - خواهش می‌کنم توجه بفرمائید برای تذکرات، هشت نفر نوبت گرفته‌اند و سه نفر که باید نطق قبل از دستور داشته باشند قبل از اینکه نطق قبل از دستور شروع شود باید بگویم که بعضی از برادران اطلاع داده‌اند که صحبت نمی‌کنند و تشریف نمی‌آورند البته باید عرض کنم که کسانی می‌توانند به عنوان نطق قبل از دستور صحبت کنند که خودشان صبح تشریف بیاورند و ورقه را امضاء کنند البته اگر فردی نوبت گرفته باشد این حق را هم دارد که نوبتش را به کس دیگری واگذار کند و در مورد مطالبی که جناب آقای سبحانی فرمودند همه منشی‌ها نظراتشان را بصورت شخصی نوشته‌اند و این جا هست و نظر خود بنده هم به عنوان یکی از منشی‌ها اینجا هست البته این‌ها نظرات شخص و فرد منشی‌هاست و نظر هیأت رئیسه نیست. در مورد هیأت رئیسه هم مطالبی هست که اگر فرصتی شد بعداً بنده عرض خواهم کرد. در این مواردی که فرمودند من جمله نامگذاری مجلس از همان اول تأکید بر این بوده که مسأله جزئی است و اوراق هم چاپ شده است در هر حال مسائل خیلی اساسی است. در مورد هیأت رئیسه هم اگر وقت به یکی از منشی‌ها رسید توضیح خواهند داد آقای ایرج صفاتی دزفولی برای نطق قبل از دستور تشریف بیاورند.

۲ - بیانات قبل از دستور آقایان ایرج صفاتی دزفولی، سیدعلی خامنه‌ای

و حمد شجاعیان

ایرج صفاتی دزفولی - بسم الله الرحمن الرحيم. موضوعی را که باید به اطلاع خواهران و برادران برسانم موضع گیری ضد انقلاب بعد از انقلاب است. ضد انقلاب بعد از انقلاب به دو جا حمله کرده است و دو نقطه مورد توجه اوست یکی سرازیر فرهنگی و دیگری مراکز اقتصادی است در این رابطه موضوع پالایشگاه آبادان مطرح میشود که عوامل ضد انقلاب و ایادی بیگانه بصورت‌های گوناگون و مختلف در آنجا دارند رشد پیدا می‌کنند چون این مسأله مربوط به تمام مردم ایران است، مردم باید از کم و کیف آن مطلع باشند طبق روال می‌بایستی تا فروردین ماه مسأله ذخیره سازی که ۳۶ میلیون لیتر مکعب است در مخازن انجام گرفته باشد (یکی از نمایندگان - تکرار کنید) طبق روال معمول می‌بایستی ۳۶ میلیون لیتر مکعب تا فروردین ماه در ذخایر، ذخیره سازی می‌بایستی انجام گرفته باشد ولی متأسفانه تا به حال یک دهم این مقدار انجام نشده و آقایان می‌توانند به مخازن نفت در تهران مراجعه کنند و راجع به این موضوع تحقیق و بررسی نمایند. این موضوع را بنده تحقیق کردم زیرا این یک مسأله‌ای در زمستان آینده خواهد بود بنده تقاضای اینست که این مسأله پی گیری بشود و مسؤولینی که در این مورد کوتاهی کرده‌اند باید مؤاخذه بشوند و برنامه ریزی صحیح باید انجام بشود که این مسأله جبران بشود والا ما قطعاً و یقیناً در زمستان آینده دچار کمبود مواد سوختی خواهیم بود.

موضوع دوم از مسائل شهر آبادان، مسأله عشایر این شهر است، عشایر و برادران عرب ما که به حتم می‌توانم بگویم از محروم‌ترین افراد این مملکت هستند بعضی از آقایان که اینجا تشریف دارند شاهد هستند که در روستاهای اطراف آبادان در گرمای ۵۰ درجه آب آشامیدنی نیست از آب شور باید استفاده شود و در حالی که آبادان بین دو رودخانه قرار گرفته است ولیکن آب شور باید بخورند به علاوه برق نیست، جاده نیست، درمانگاه نیست. جمعیت اروند کنار ۸۰ هزار نفر است ولیکن یک پزشک ندارد و با توجه به حساس بودن وضع منطقه، چون این عشایر در ارتباط هستند با کشورهای حوزه خلیج فارس، به کویت می‌روند و رفاه آنجا را می‌بینند بعد برمیگردند به منطقه خودشان و این سوء تعبیر برایشان پیدا می‌شود که عمدی هست بخصوص بعد از انقلاب

هم توجه کافی به آنجا نشده است. بعلاوه شما شهر آبادان را توجه کنید... ۴ هزار نفر جمعیت دارد و یک حاکم شرع ندارد سه ماه روزگاریست که بازماندگان سینما رکس آبادان تحصن کرده‌اند ولیکن کسی نیست که به حرف آنها توجه کند و به مسائل آنها رسیدگی کند اینها مسائلی است که در ارتباط با پالایشگاه آبادان می‌شود و با توجه به این پالایشگاه آبادان تقریباً ۶۰ درصد سوخت کشور را تأمین می‌کند باید به کل مسائل منطقه توجه و رسیدگی بیشتری بشود موضوع آخری که مورد نظر است اعمال نفوذهایی است که در مجلس می‌شود. در شرایطی که اعتبارنامه‌ها مطرح است و ما می‌بینیم که بعضی از روزنامه‌ها جو درست می‌کنند در روزنامه انقلاب اسلامی مورخ ۲۰ خرداد ماه، خبرگزاری پارس به نقل از آقای خسرو قشقائی و آقای خسرو قشقائی به نقل از ریاست جمهوری آنجا عنوان می‌کنند که ما پرونده آقای خسرو قشقائی را در شورای انقلاب مطرح کردیم، هیچ چیزی در این پرونده ندیدیم. ما از آقای رئیس جمهور میخواهیم که صحت و سقم این مطلب را برای ما روشن کند چون برای ما روشن کند چون برای ما تعجب آور است که از زبان ریاست جمهوری این حرف بیان بشود و بعلاوه مسأله آنجا برای ما بیشتر مطرح است که می‌بینیم در روزنامه سوم تیر انقلاب اسلامی آنطور که آنجا نوشته بود یک نامه‌ای در جلد یک کتاب جاسازی میشود از آقای امیر انتظام بعد این نامه می‌آید و راه خودش را پیدا می‌کند و می‌رود به طرف روزنامه انقلاب اسلامی و آنجا آقای امیر انتظام تعجب می‌کند که چطور آقای خسرو قشقائی تبرئه است ولی من باید در زندان باشم. و یابید این را توجه داشته باشید که دانشجویان پیرو خط امام در افشاگری خود دو نفر را جاسوس سیا قلمداد کردند و این‌ها هر دو یک کد و یک شماره رمز دارند شماره کدی اینها هر دو اس - دی است. حالا چطور می‌شود آقای امیر انتظام را از استکھلم و یا از سوئد میخواهند و بعد حدود هفت ماه است که در زندان است ولی آقای خسرو قشقائی را که وضعیتش شبیه همان است و همان مدارکی را دارد باید آزاد بگردد و حتی در انتخابات هم شرکت کند و به مجلس هم راه پیدا کند. ما میخواهیم به این مسائل توجه بشود برای اینکه....

رئیس - لطفاً جمله‌تان را تمام بفرمائید و قتان تمام شده است.

صفاتی دزفولی - موضوعی که اینجا مطرح است این مسأله مهم است برای ما که وزارت کشور با توجه به همه مدارک موجود چرا به این مسأله مهم توجهی نمی‌کند. کشور ما اسلامی است و جمهوری اسلامی ما باید نمونه‌ای از حکومت علی (ع) باشد حکومت علی با حکومت معاویه چه جور برخورد کرد. قاطعانه برخورد کرد مگر معاویه قشون و لشکر نداشت ولی علی علیه السلام میخواهد اسوه درست کند، میخواهند الگو درست کند بنابراین قاطعانه برخورد می‌کند. بنا براین، این مسأله باید مورد توجه ما باشد که از قدرت‌ها نباید بهراسیم همانطوریکه امام فرمودند. بنا براین در برخورد با ضد انقلاب ما باید همانطوریکه ملت خواست و نظرش این بوده که بایستی با مسائل انقلابی برخورد بکنیم. بنا براین ما ملاحظه کاری را باید کنار بگذاریم و با مسائل مکتبی برخورد کنیم. دیگر عرضی ندارم.

منشی - آقای خامنه‌ای بفرمائید. البته آقای هادی نجف آبادی ثبت نام کرده‌اند و نوبت گرفته‌اند که نوشتشان را به ایشان واگذار کردند و ایشان می‌توانند گزارششان را بدهند.

سید علی خامنه‌ای - بسم الله الرحمن الرحيم. با سلام بر برادران و خواهران. مجلس شورای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی، اولی‌ترین و اعظم‌ترین مقام است. مردم این را فهمیدند و به مجلس امید بسته‌اند و شور انقلابی رو به رکود مردم با تشکیل این مجلس اشتعال پیدا کرده است و این بر ما وظایفی را محقق نموده و من میخواهم به برادران و خواهران عرض کنم که اندکی توجه به انتظاری که مردم از ما دارند وظایف سنگینی را برای ما محسوس و ملموس می‌کند. اول سرعت عمل مجلس است مردم از خودشان سؤال می‌کنند که چرا مجلس پیش نمی‌رود فکر می‌کردیم مثلاً مسائل شورای نگهبان مشکل بزرگ است، همین هم بوده البته ماجرای تأخیر شورای نگهبان آنطوریکه یکی از برادران یک روز اینجا تشریح کردند. ماجرائی بود انجام شده و گذشته، اکنون خوب بود که نسبت به تسریع امر شورای نگهبان هر چه بیشتر اقدام کنیم و شده و ان شاء الله به زودی شورای نگهبان تشکیل میشود. اما احساس میشود بعد از آنکه شورای نگهبان معین بشود مجلس کارهای

معلم عشایری وجود ندارد، درست است که از نظر فرهنگ مقداری پائین هستند یا امکانات رفاهی اصلاً قابل بحث نیست. ولی از نظر سواد آموزی مقداری بالا هستند که این خودش عملی و کمکی به انقلاب است. بنا بر این آیا ما می‌توانیم بگوئیم عشایر مخالف انقلاب هستند که باعث درگیریها و نزاراحتیهائی می‌شود؟ خیر اینطور نیست عشایر در فارس کاملاً پشتیبان و حامی انقلاب هستند و شاهد گفتار بنده این است که در بجنوبه انقلاب دیدیم در فارس یک چماق بدست برای حمله به شهرها بوجود نیامد با وجودی که پولهای زیادی خرج کردند و پولدارها برای این کار عده‌ای را تحریک و مسلح کردند ولی موفق نشدند. تنها گروهی که در بین ایلات و عشایر منافعشان بر اثر انقلاب اسلامی بخطر افتاد و جای پائی ندارند و نمی‌توانند به حیاتشان به آن شکلی که دلشان می‌خواست ادامه بدهند فنودالها و خان‌ها هستند در گذشته درست است که اینها را سرکوب کردند ولی در سازمانهای دولتی راهشان دادند و باعث استعمار توده مستضعف و مسلمان عشایر شدند. بعد از پیروزی انقلاب مردم به این امید بودند که اینها دیگر نابود خواهند شد ولی در اثر تبلیغات سوء و سستی های بعضی از مقامات مسؤول به علت عدم آشنائی به فرهنگ عشیره‌ای و دادن امتیازاتی در منطقه به اینها باعث شدند که بروند در منطقه و تبلیغ سوء بکنند و خودشان را به‌عنوان افراد مورد اعتماد دولت جا بزنند که این مسائل الان پیش آمده و ماهیت اینها برای مردم مشخص شده است. مشکلاتی که در منطقه فارس هست و بنده پیشنهاد می‌کنم که دولت نسبت به این امر باید سرعت عملی بخرج بدهد تا اینها نتوانند ریشه بزنند بطور خلاصه عرض می‌کنم یکی مسأله زمین و مرتع است که در دست اینها باقی مانده است یکی دیگر مشروعیت غیر قانونی است که به اینها بطور ضمنی داده شده است و این مشروعیت باید از اینها گرفته شود. یکی دیگر تبلیغ مکتب اسلام بوسیله حوزه علمیه قم که حوزه از این نظر باید لطف و عنایت کند و طلاب معهد با ابلاغ مشخص و با شناخت دقیق در ماه مبارک رمضان به این مناطق بفرستند و مردم را ارشاد کنند تا فریب این اجنبی‌ها را نخورند یکی دیگر اینکه من علاوه بر عشایر فارس می‌خواهم از طرف عشایر ایران بگویم....

رئیس - آقای شجاعیان وقت شما تمام شده است.

شجاعیان - آقای دکتر یک دقیقه اجازه بدهید. یک مسأله دیگر هم هست و آن قولی است که آقای رئیس جمهور در قسمت عمران و آبادی در منطقه فارس بمن داده است که هیچ اقدامی نشده است و برای جلوگیری از هر نوع اقدام این متجاوزین باید این اقدامات بشود مسأله رفاه اجتماعی در منطقه و نیروی بسیج در بین توده عشایر برای مقابله با پیامد کار اینها بوجود بیآورند، چه احتمال دارد در آخر خردادماه که ایل به طرف گرمسیر حرکت می‌کنند اینها یک چندی تاخت و تاز بکنند و سرگردنه‌ها را بگیرند. چون اواخر مرداد موقع کوچ اینها از ییلاق به قشلاق است و یکی هم عرض کردم عدم مشروعیت اینها ثابت بشود تا اینها نتوانند اقدامی بکنند. یک موضوع دیگری که خدمت برادران عرض کنم اینست که برادر عزیزمان آقای عطاری می‌خواستند صحبت کنند ولی وقتشان نشد مربوط است به مرکز پژوهشهای علمی جهاد سازندگی اراک که مسأله‌ای است بسیار اساسی و مربوط است به کار عموم مملکت اگر تشریف داشته باشند در موقف تنفس ایشان مدرکی که همراهشان هست ارائه بدهند. خدا حافظ.

منشی - آقای حججی تذکری در مورد اتهاماتی که درباره پرونده آقای جوانمردی به ایشان وارد شده بود حداکثر پنج دقیقه وقت دارند صحبت کنند.

حججی - جلسه بعد صحبت خواهم کرد.

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل را قرائت بفرمائید.

منشی - اسامی غائبین غیرموجه روز دوشنبه ۱۳۵۹/۴/۱۶، آقای خسرو قشقای، آقایان: محمدعلی منتظری - محمد جواد باهنر - جعفر توکلی - سید احمد مدنی، سید حسین پور میر غفاری.

یکی از نمایندگان - آقای باهنر دیروز اینجا بودند.

۳ - ادامه بحث پیرامون رد اعتبارنامه آقای خسرو ریگی

رئیس - آقای ریگی بفرمائید سه ربع وقت دارید که از خودتان دفاع بکنید.

ریگی - بنام خدا. بنام خداوند جان و خرد - بنام خداوند روزی و درهنا. جناب آقای رئیس، آقایان و خانم‌های محترم خیلی متشکرم که این اجازه را فرمودید که بنده از دیروز به امروز وقت خودم را انتقال بدهم و در یک چنین

مقدماتی خواهد داشت که نخواهد توانست به کارهای اصلی برسد و آن کارهای مقدماتی کار پرونده‌ها است. با این ترتیبی که پرونده‌ها پیش می‌رود و با این ترتیبی که کمیسیون تحقیق به مجلس پاسخ میدهد. احتمالاً بعد از تأیید شورای نگهبان هم ما چندین پرونده و چندین اعتبارنامه اینجا خواهیم داشت. کمیسیون تحقیق بایستی در کار خودش تسریع بکند. من از برادران کمیسیون تحقیق خواهش میکنم هر چه ممکن است کار خودشان را با سرعت بیشتری انجام بدهند. اگر موافقی در کار هست، آن موافق را برطرف کنند و اگر کمک میخواهند از مجلس کمک بگیرند و اگر بعضی از افراد آمادگی ندارند در اینجا کار کنند افراد دیگری را به جای خودشان بگذارند که کار اعتبارنامه‌ها تا روز تعیین شورای نگهبان تمام شده باشد تا ما دیگر در آن موقع نخواهیم به اعتبارنامه‌ها بپردازیم این برای مردم قابل قبول نیست. از بنده و از دهها نماینده دیگر هم مثل من که به من گفته شده سؤال می‌کنند و ما جواب نداریم این مجلس هر دقیقه اش مبالغ عظیمی وقت هست. سی و شش میلیون جمعیت و اگر رأی دهندگان را حساب کنیم اندکی کمتر از این تعداد چشمشان به این مجلس دوخته شده است خواهش می‌کنم کمیسیون تحقیق احساس مسؤولیت بیشتری بکند، البته می‌کند. توجه به خطورت موقع و زمان بکند و کار خودش را تسریع بکند. و اگر کمکی میخواهد از مجلس بگیرد، موافق را برطرف کند.

مسأله و تذکر دوم راجع به خود ما است، ما برای اینکه مجلس از اعتبار در میان مردم برخوردار باشد و برخوردار باقی بماند احتیاج به حفظ نزاکت داریم. از برادران میخواهم تقاضا کنم ما که در جلسات دو نفره و سه نفره و پنج نفره صبر می‌کنیم تا حرف طرف تمام شود و بعد حرفمان را بزنیم در این جلسه دو بیست نفری چطور این وظیفه را به خودمان لازم نمیدانیم. مگر احساس نمیکنیم حرف توی حرف زدن وقت مجلس را می‌گیرد و مگر نمیتوانیم برخوردار فائق بیائیم که حرف مان را بزنیم و این احساس شخصی را به قیمت حفظ وقت مجلس در خودمان بکشیم. نزاکت مجلس باید حفظ بشود در مورد اعتبار نامه‌ها آنچه گفته میشود از طرف برادران حرفهائی باید باشد عن علم نه عن حدس و نه عن احساس...

رئیس - آقای خامنه‌ای لطفاً تسریع بفرمائید.

خامنه‌ای - موضوع بعدی که می‌خواستم عرض کنم امام با فریاد خودشان بنیان ارزشهای طاغوتی را فرو ریخت. ما شاهد عزا داری عده‌ای از خانمها برای ارزشهای طاغوتی هستیم، لباس سیاه پوشیده‌اند من نسبت به این خانمها فعلاً حرفی ندارم. ان شاء الله این هفته در نماز جمعه درباره عزاداران ارزشهای طاغوتی صحبت خواهم کرد تا برای ملت ایران روشن بشود که اینها چه کسانی میشوند و موفق هم هست اجازه میدهند از این خانمهای به سوک نشسته برای ارزشهای طاغوتی در اینجا هنوز هم رفت و آمد کنند این برای ملت ایران قابل قبول نیست. صحبت از بی‌حجابی و حجاب در این سخن من نیست این را من در جای دیگر و با مخاطبان دیگری در میان خواهم گذاشت. اما در خطاب به مجلس شورای اسلامی، صحبت از این است که آن خانمی که برای نابودی معیارها و ارزشهای طاغوتی لباس سیاه تنش می‌کند این یک ضد انقلاب است. کاری نداریم که معتقد به حجاب هست و یا نیست انسانی است که در جهت ضد انقلاب دارد فعالیت می‌کند این نمی‌تواند در یک مؤسسه دولتی به عنوان کارمند و به عنوان یک فرد مجاز رفت و آمد کند و اگر رفت و آمد کرد، آن کسی مسؤول است که مسؤول آن مؤسسه دولتی است. والسلام علیکم.

منشی - آقای صمد شجاعیان.

شجاعیان - بسم الله الرحمن الرحیم. موضوعی که میخواهم خدمت نمایندگان محترم عرض بکنم به عشایر مربوط است در گوشه و کنار مملکت، می‌شنویم که در عشایر ناراحتی و درگیری بوجود آمده است. این در سطح مملکت یک طیف وسیعی است که باید علل و ریشه آن پیدا بشود. و علل ناراضی‌ها مشخص بشود تا اینکه بتوانیم این ناراحتی‌ها را از بین ببریم ولی بنده در خصوص عشایر فارس چون خودم بچه عشایر هستم و فرزندانم هستم می‌خواهم مسائلی را بطور خلاصه باشما در میان بگذارم. عشایر فارس با سایر عشیره‌هایی که در این مملکت زندگی می‌کنند یک تفاوت فاحشی دارد که در بقیه ایلات این خصیلت کمتر پیدا میشود. یکی اینکه عشایر فارس از نظر مذهبی در هیچ جهت قرار ندارند. دوم وجود سواد است یعنی اگر سطح پائین را حساب کنیم در سطح عشایر فارس سواد رشد کرده و اگر به کوچکترین ده یا چادر ایلات فارس تشریف ببرید می‌بینید یک



به این مطالب برگردم. ولی در این باره می‌خواهم خدمتستان یک چیزی عرض کنم، تمام مدتی که من در خانه پدرم زندگی میکردم، ایشان خانه اجاره‌ای داشت. در خیابان عین‌الدوله، در خیابان زرین‌نعل، در خیابان خورشید، و بعد هم در شیراز تا چهار سال قبل از فوتش که دو سال قبل بود، ایشان در خانه‌ای اجاره‌ای زندگی میکرد بنده خودم در تمام مدت عمرم در خانه اجاره‌ای زندگی کرده‌ام خانه گچ بری و آئینه کاری که من دارم کجا است؟ اگر دارم متعلق به شما باشد اگر مال من است، بفرمائید آدرسش کجا است بنده تقدیم میکنم. بنده الان در خانه سازمانی سیستان و بلوچستان زندگی می‌کنم و از یخچال، فر، و میز و صندلی دانشگاه استفاده می‌کنم. اگر مدت زیادی اقامت من در آمریکا طول کشید یکی دیگر از دلایلی که خدمتستان عرض می‌کنم این بود که من کار میکردم و درس می‌خواندم و درس میدادم. وقتی من دبیرستان را تمام کردم و رفتم به آمریکا تا دو سال ونیم پدر بنده ماهی سیصد و پنجاه دلار برای من می‌فرستاد، بعد از دو سال ونیم من به این نتیجه رسیدم که از نظر مالی برای او بار سنگینی است، من تقاضا کردم که دیگر برای من پول نفرستند من سعی می‌کنم آنجا کار بکنم و درس بخوانم و ادابه هم دارم یکی دیگر از آقایان می‌گفت ایشان از بیت‌المال مدت زیادی است پول گرفته و چه کرده و چه کرده، ولی بخصوص درباره مطلب گزارش کمیسیون تحقیق می‌خواهم مختصری درباره صحت انتخاباتی شهرستان خاش صحبت کنم البته به من مربوط نیست که واقعاً درباره صحت انتخابات شهرستان خاش صحبت کنم البته درباره ایرادات و اتهاماتی که به شخص بنده وارد شده است بعداً خدمتستان عرض خواهم کرد. انتخابات شهرستان خاش در دو مرحله انجام شد بعد از مرحله اول این شکایتی که بعد از مرحله دوم مطرح شده ابدأ مطرح نشد. همان فرماندار، همان هیأت اجرائیه همان انجمن نظارت مرحله اول و مرحله دوم را انجام دادند. این شکایت بعد از مرحله اول بروز نکرد برای اینکه رقیب انتخاباتی بنده در مرحله اول نفر اول شد، همین خود کفایت که اعمال نفوذی در وابستگی به فابیل ریگی به بنده نشده، اگر میشد خوب، چرا در مرحله اول نشده خدمتستان عرض بکنم که چرا در مرحله اول ما پیش نبردیم تا آنجا که بخاطر من می‌آید در مرحله اول شش نفر کاندید ریگی وجود داشت اول آرائی که میرفت برای ریگی‌ها پیش شد، مهمتر، دوم اینکه به صندوق نرفت. از تیره‌های فابیل ریگی به آنکه خودش کاندیدی داشت رأی دادند از تیره‌های فابیل ریگی که خودشان کاندید نداشتند، اصلاً رأی ندادند. خوب، چه اینکه نمیخواستند بین این ریگی، آن ریگی، آن ریگی انتخابی بکنند. در مرحله اول ریگی‌ها رأی ندادند سؤال شده بود که استثناء چرا در شهرستان خاش برخلاف اغلب حوزه‌های انتخابیه دیگر این مملکت در مرحله دوم نسبت به مرحله اول آراء بیشتری بوده است دلیلش اینست که بنده عرض میکنم. در آئین‌نامه مربوط به انتخابات آمده بود که اعضای هیأت اجرائیه و هیأت نظارت نباید از وابستگان سببی و نسبی درجه اول کاندیدها باشد و اسم برده شده «پدر، مادر، برادر، خواهر، عروس و داماد» ولی پسر عمه در آن نیست فرماندار شهرستان خاش، بله، پسر عمه بنده هست ولی با پسر عمی که چرم ثابت نمیشود ثابت میکند که این پسر عمی باعث شد که در یکجائی آرائی به صورت آراء تقلب در صندوق رفت و بعد درآمد، آقایان محترم، خانمهای محترم آن را ثابت بکنید. در مرحله دوم به مناسبت این شکایتی که مطرح شد عرض میکنم. خیلی معذرت می‌خواهم در مرحله دوم بخصوص ناظری از استاندار در محل در روز قبل از انتخابات و روز انتخابات حضور داشت. ناظری از وزارت کشور در روز قبل از انتخابات و روز انتخابات برای شمارش آراء حضور داشت، بعد از انتخابات از طرف رقیب ما شکایتی شد، وزارت کشور صدور اعتبارنامه را توقیف کرد تا به شکایات رسیدگی بشود بنده در افتتاح مجلس باین دلیل خدمتستان نرسیدم، بعداً گزارشاتمی دادند و رفتند و آمدند و گفتند، بله این انتخابات به قوت خودش باقی است پانصد رأی را باطل کردند به دلیل بیخنده‌ای که بعد خودشان گفتند و صورت جلسه‌اش هست که تقلبی نبوده، عیدی نبوده بعضیها شماره شناسنامه و تاریخ صدور شناسنامه‌شان تعویض شده است بعضی‌ها تاریخ یا صدور شناسنامه ندارد، بعضی‌ها از تاریخ قدیم منحن شایه‌شاهی به تاریخ شمسی تبدیل نشده و یا اگر شده یک تاریخهای عجیب و غریبی را بوجود آورده آدهای هزارساله و آدهای چند ساله بوجود آورده این اشتباهات شده بله، پانصد رأی را کنسل کردند و باطل کردند ولی گفتند انتخابات به قوت خودش باقی است، دستور دادند که اعتبارنامه را صادر بکنند و برای بنده صادر کردند و بنده هم خدمت شما،

موقعیتی توجه شما را نسبت به عرایض خودم جلب کنم. برای من بسیار مشکل است که بخواهم از خودم دفاع کنم. در تمام مدت عمرم بنده لزومی برای دفاع از خودم ندیدم در تمام مدت عمرم بنده برای حشمت و جاه خودم برنامه‌ریزی نکردم و تمام مدت عمرم هر جا که بودم، در هر مرحله‌ای که بودم برایم مسلم بود که من بدین دهرنه پی‌حشمت و جاه آمده‌ام و برای من مسلم بود که برنامه‌ریزی برای حشمت و جاه نکرده‌ام. وقتی بنده دبیرستانم را تمام کرده بودم رفتم به آمریکا به آمریکا پی‌حشمت و جاه رفتم بودم. وقتی که در آمریکا قبول شدم برای دانشکده طب بعد از چهار سال که لیسانس شیمی گرفتم من مطمئن بودم که برای حشمت و جاه به دانشکده نمی‌رفتم بعد از این که تصمیم خودم را عوض کردم و از دانشکده طب خودم را به دانشکده مهندسی شیمی انتقال دادم نه برای حشمت و جاه بود، نه برای آنکه بینم استعدادهای درونی من چیست. نه برای اینکه بینم ایده‌آل زندگی شخصی من چیست. برای این بوده که برای من مسأله ایران مهم بوده. مسأله مردم ایران مهم بوده، وقتی از مدرسه مهندسی نفت بنده خودم را منتقل کردم به دانشکده علوم سیاسی و اقتصاد باز هم نه برای حشمت و جاه بوده نه برای اینکه نگاه کردن به اندرون خودم و پیدا کردن استعدادهای اندرونی خودم بوده و نه برای دیدی بوده که از تصویر ایده‌آلی زندگی خودم داشتم آن موقع هم برای این بوده که فکر میکردم در راه حل مسائل ملت ایران و مسائل مردم محروم بلوچستان قدم بردارم. امروز برای من خیلی مشکل است که برگردم به زندگی خودم و دفاع بکنم در مقابل اتهاماتی که به من رسیده است. از خدا کمک می‌خواهم، از لطف شما متشکرم که به بنده این اجازه را می‌فرمائید که از خودم دفاع بکنم، تا آنجا که برای من امکان دارد به شما قول میدهم که یک کلام دروغ، یک کلام اغراق، یک کلام برای اینکه شمارا قانع بکنم که در تأیید اعتبارنامه بنده قضاوت بفرمائید، حرف‌نزنم. فقط و فقط برای اینکه حقیقت روشن شود و اتهامات ناوارد و واهی که نسبت به شخص بنده وارد شده رد بشود بنده این صحبت را می‌کنم و در این یک مطلب مطمئنم که در آخر کلام خودم برای شما ثابت خواهد شد. اقلاً در اینکه من از اعتبارنامه و رسیدن به این مقام و به این پست از طریق شخص خودم هیچ کلامی را صحبت نکرده‌ام. اشخاصی که برای جاه و مقام قدم بر میدارند و برنامه میریزند بنظر من کسانی هستند که احتمالاً توطئه می‌کنند، دبیسه می‌کنند، پاروی حق دیگران می‌گذارند و دستور ضرب و جرح میدهند. و بازور برای خودشان راه باز می‌کنند. بنده خودم را گذاشته بودم تحت اختیار اسواچی که در خارج از من، بنده را هدایت می‌کند بطرف مصلحتی که برای ملت ایران و مردم بلوچستان می‌دادم اما در رفع اتهامات اجازه بفرمائید یادآوری کنم از یک ضرب‌المثل خیلی خوب، در زبان شیرین فارسی که بنظر من متأسفانه اغلب بدتعبیر میشود. تعبیر توصیفی میشود در صورتیکه بن خودم فکر می‌کنم باید تعبیر دستوری بشود مصطلح این است که «تا باشد چیز کی مردم نگویند چیزها» اغلب مردم فکر می‌کنند که چون خیلی‌ها چیزها می‌گویند حتماً چیزی هست در صورتیکه دستوری است آقایان نگویند چیزها تا نبیند چیزی، من ادعا دارم در اینجا در حضور شما و در حضور ملت ایران که در این اتهاماتی که به بنده زده شده است در هیچ موردی چیزی نیست خیلی چیزها گفته شده. سه‌شال مختصر می‌زنم درباره آن چیزهایی که درش چیزی نیست یکی حرف دیروز بوده که بنده پیش کشیدم آنرا. یکی از همکاران عزیز، یکی از آقایان نمایندگان محترم در یک روزنامه بسیار معتبر و محترم که در سرتاسر این مملکت پخش میشود. ایشان ادعا کرده است که اسناد و مدارکی است که خسرو ریگی با سازمان بنحله و شکنجه‌گر و ننگین ساواک کرده است. این حرف خیلی چیزها است. در این برهه از زمان در تاریخ ایران هیچ لکه‌ای ننگین‌تر از این وجود ندارد و هیچ لحنی متعفن‌تر از این وجود ندارد که این خیلی چیزها است بنده اصرار می‌کنم که کوچکترین چیزی که در این بالا وجود ندارد. یکی از آقایان اینجا تشریف آوردند حضرت آیت‌الله لاهوتی ایشان گفتند که خسرو ریگی ممکن است برود به اربابان خودش در آمریکا، بگیردش، این حرف خیلی چیزها است. بنده اصرار دارم که کوچکترین ذره‌ای در این باره وجود ندارد. یکی دیگر از آقایان آمد و گفت خسرو ریگی در کاخهای گچ بری و آئینه کاری زندگی کرده است این حرف خیلی چیزها است چیز جسمی است بنده اصرار دارم اصلاً چنین چیزهایی وجود ندارد در این باره می‌خواهم یک چیزی اضافه کنم و می‌خواهم ان‌شاءالله

در شهرستان خاش در دفتر رئیس اداره سازمان تعاون روستا زد و خوردی میشود، شخصی از فامیل خاشی با شخصی از فامیل میرکازهای درگیر میشوند، کتک کاری میشود، پرونده‌ای در شهرستان خاش هست و آن شخص خاشی به زندان میرود در آن روز بخصوص متأسفانه در بافت عشیره‌ای بلوچستان هنوز باه آنجا نرسیده‌ایم و بعضی وقتها منجمله دیروز بنده فکر کردم که در این مجلس شورا هنوز به آن مرحله نرسیده‌ایم که مسؤولیت و گناه را شخصی ببینیم، هر شخصی را مسؤول افکار و گفتار و کردار خودش ببینیم، در بلوچستان در بافت عشیره‌ای متداول است بنده بارها در برابر مخالفت با این صحبت کرده‌ام ولی وقتی که یک نفر از فامیل خاشی یک گناهی، یک خطائی را انجام میدهد طایفه خاشی را محکوم می‌بینند و انتقام را از فامیل خاشی میخواهند بگیرند این غلط است بنده به این اعتراف دارم ولی به مناسبت آن زد و خورد، وابستگی آن میرکازهای که در خاش مورد ضرب و شتم قرار گرفته بوده وابستگی آن در شهرستان خاش، در شهرستان زاهدان این زد و خوردها را بوجود می‌آورند، صحیح است، کسانی که در این زد و خورد دومی شرکت داشتند از وابستگی دور بنده هستند ولی از وابستگی ریگی هستند، شما اگر میخواهید طایفه ریگی را به این طریق متهم بدانید و من راهم به عنوان اینکه چون اسم ریگی دارم متهم بدانید کار صحیحی نکرده‌اید، هیچ مدرک و دلیلی نیست و من اینجا به صراحت خدمتان عرض میکنم که بنده هیچگونه خبری، هیچگونه اطلاعی، هیچگونه شرکتی در این مسأله نداشته‌ام، قبل از دوره اول انتخابات در گوشه‌ای از اسکل آباد بنده دیدم نوشته‌اند مرگ بر خاشی آقایان را جمع کردم گفتم این یعنی چه؟ اینجا نوشته‌اید مرگ بر خاشی. این را پاک کنید گفتند آقا در تمام شهرستان خاش بر درود یوارش نوشته‌اند مرگ بر دکتر ریگی بگذارید یکجا هم ما بنویسیم مرگ بر خاشی، گفتم آقا این سه چهار عیب دارد.

۱ - بی‌شعوری سیاسی است، ما کاری به جان و گوشت و پوست و استخوان آقای خاشی نداریم، میخواهیم ایشان را از معرکه گود مبارزات سیاسی به در کنیم، اگر یک زمانی ما می‌گفتیم «مرگ بر شاه» دلیل داشت، شاه به تئوری پادشاهی زائیده میشود و مرده میشود و در تمام این مدت شاه هست، خوب، اینکه می‌گویند مرگ بر شاه چون شاه را نمی‌خواهند بنابرین تنهاراهش مرگ است ولی اگر ما یک وکیل مجلس شورا را نمی‌خواهیم رأی ندهید ایشان میرود کنار ما نفرین عاجزانه و پیرزانه (بیخشد) نمیکنم، مبارزات سیاسی می‌کنیم این نمودار گفتار بنده است در قبل از دوره اول انتخابات، بنده معتقدم که «سورجان دارد و جان شیرین خوش است» بنده معتقدم که «بادوستان مروت با دشمنان مدارا» بنده به این جریانات معتقد نیستم، بنده به این جریانات هیچگونه ربطی نداشته‌ام، هیچگونه اطلاعی نداشته‌ام. بنده میرا و پاک هستم در این جور زد و خوردها بنده متهم هستم که به خانواده ریگی وابسته هستم و متهم به خان خانی و خان بازی هستم، آقایان قضاوتش را بر روی الفاظ نکنید (خ و الف و نون) اما فرمودند خانبازی شما قضاوتش را بر کردار بکنید چه عملی از من سرزده است که من خان بازی کرده‌ام؟ خدمت شما عرض کردم شما می‌توانستید استنباط بکنید که بنده یک متر زمین ندارم، بنده یک ریال درآمد از زمین و مال نداشته‌ام، بنده یک نفر فرمانبردار، نوکر، زارع و رعیت نداشته‌ام و ندارم. چه خان بازی؟ تمام درآمد بنده در تمام عمرم بطور کلی از دو سازمان بدست آمده است، در این اواخر آمدن از این دو سازمان بوده است، در آغاز بنده کارهای دانشجویی دانشگاهی کرده‌ام ولی بنده از دانشگاه مینسوتا در آمریکا حقوق گرفته‌ام و درآمد داشته‌ام یا از دانشگاه مینسوتا و بلوچستان در زاهدان و السلام، چه خان بازی؟ اما طایفه ریگی، فامیل ریگی در رابطه با رضا خان، در رابطه با علم، در رابطه با محمد رضا و در رابطه با انقلاب اسلامی مختصری خدمتان عرض خواهم کرد. در سال ۱۳۱۲ همین طور که جناب آقای اعظمی صحبت کردند شنیدید که رضا خان چه روابطی با عشایر داشت پدر بزرگ بنده آید وی ریگی و پدر بنده ویکی از برادرانش عموی بنده از خاش به زندان قصر برده شدند اموالشان در بلوچستان مصادره شد تا سال ۱۳۲۰ یا در زندان بودند یا تبعید بودند سه سال اول را در زندان بودند و بقیه‌اش را تبعید بودند و حق ورود به زادگاه اصلی خودشان را نداشتند، برنامه‌ای برای آواره کردن مردم محل، برنامه‌ای برای قلداری که هیچگونه مزاحمتی در هیچ کجا نباشد این در زندگی ایلاتی فراموش نمیشود همزمان با این شهنور ریگی رودین ریگی و محمود ریگی و ملانیک محمدریگی

کمیسیون تحقیق به اشتباه به سهل انگاری، به عدم تحقیق میگوید که کلیه انجمن نظارت از وابستگی خسرو ریگی است اگر انجمن نظارت کلیه اش از وابستگی خسرو ریگی است بنده همین جا خودم را در اختیار شما می‌گذارم. اساسی آنها هست نمیخواهم شما را در دسر بدهم یک نفر در انجمن نظارت وابسته به بنده است که پنج نسل گذشته ایشان به بنده برمیخورد ولی ایشان خواهرزاده رقیب انتخابات بنده هست اسم ایشان آقای احمد فیروزآبادی ریگی، غیر از این هیچگونه وابستگی با من در انجمن نظارت و هیأت اجراییه وجود ندارد مگر همان پسر عمه بنده که فرماندار است. درباره صحت انتخابات این کافی است ولی درباره اتهامات دیگری که به بنده وارد شده است اینچنین که من خلاصه میکنم متهم هستم به ضرب و شتم برادر رقیب انتخاباتی خودم و متهم هستم به خان بازی و وابستگی به فامیل ریگی و اتهاماتی که بنده وارد شده است در زندگی آموزش و زندگی دانشگاهی و سیاسی شخص بنده، گناه من این است که در این مبارزات انتخاباتی، بنده افرادی را که ضد انقلاب و ضد انسانی بوده‌اند از جرگه سیاسی خاش به کنار زدم، این گناه بنده است این آقایان تبلیغات انتخاباتی خودشان را که بایستی یک روز قبل از انتخابات خاتمه پیدا میکرد تا این ساعت و این دقیقه و این لحظه ادامه پیدا داده‌اند به نظر حقیر به این دلیل که پوششی برای کردار ضد انسانی و ضد انقلابی خودشان باشد. اگر یک نفر می‌آمد اینجا جلو شما می‌ایستاد و ایشان، دبیر حزب ایران نوین و دبیر حزب رستاخیز بود و تا روز قبل از انقلاب و بعد از انقلاب متهم بود به قتل و آتش سوزی که در هفته اول بعد از انقلاب شاید در ایران بوجود آمده است شما چقدر به کلام ایشان اعتبار می‌گذاشتید؟ این شخص بنده را متهم کرده که بنده به ضرب و شتم شرکت داشته‌ام حالا چرا آقایان این حرفها را می‌زنند، برای خود من مسأله‌ایست

بشارتی - چقدر مدارک از اینها دارید؟

خسرو ریگی - این برای خود بنده مسأله‌ای است و بهترین فهم شخص بنده یک دلیلش آن است که عرض کردم، ادامه تبلیغات برای پوششی برای کردار خودشان این برادری که ضرب دیده با این مشخصاتی که بنده عرض کردم، درباره ایشان می‌گنجد، برای خود رقیب بنده طبق گزارشی که بعد از انتخابات از طرف دادستانی انقلاب زاهدان پخش شد و قبل از انتخابات ما خبر غیر رسمی از او داشتیم هیچ وقت از این مسأله استفاده نکردیم، ایشان آقای خاشی ناصری مدیر سابق دبیرستان فروغی شهرستان سراوان به عنوان منبع اطلاعاتی ساواک معرفی شدند بنده مدارکش را خدمت کمیسیون محترم تحقیق هم ارائه داده‌ام ولی متأسفانه تا آنجا که بنده اطلاع دارم از مدارکی که بنده به کمیسیون تحقیق هم ارائه داده‌ام ولی متأسفانه تا آنجا که بنده اطلاع دارم از مدارکی که بنده به کمیسیون تحقیق ارائه کردم...

رئیس - مختصر بفرمائید، از ذکر نام اشخاص خودداری فرمائید.

خسرو ریگی - تذکر شما وارد است و بنده تا این زمان سعی کرده بودم که اسم نبرم ولی در مقابل گفتاری که از طرف یکی از آقایان آمد که چه دلیل و مدرکی دارید؟ بنده تصمیم گرفتم که این را مشخص بکنم ولی تذکر شما بجا است و بدون ذکر نام ادامه میدهم. یک دلیلش اینست که عرض کردم دلیل دیگرش اینست که این آقایان بخصوص این شخصی که مضروب شده است از طرف تیره‌ای از فامیل ریگی متهم است به قتل جوان شهیدی از فامیل ریگی که هیچ این طرف صحبت را دیروز از فامیل ریگی نشنیدید و خیلی هم بد شنیدید ولی از طرف خویش چیزی نشنیدید، یکی از آنها این است که جوانی دبیر بین سن، بیست و پنج تا سی سالگی بنام امام بخش ریگی اولین شهیدی است که بعد از انقلاب در بلوچستان داده شده، ایشان در جهاد سازندگی در جوار مهندس شهید نیک‌بخت که رفیق و همکار خود بنده بود در راه خاش به ایران دگان مورد قتل قرار میگردد و از طرف پدر ایشان محمد ریگی این شخص مضروب شده که اکنون بنده رابه این ضرب و شتم متهم می‌کنید رسماً در دادگاه انقلاب زاهدان، در ژاندارمری زاهدان متهم شده به شرکت در این قتل پرونده‌هایی هست، ضمانتهائی هست که ایشان فعلاً بر طبق آن ضمانت زاد است من حدس می‌زنم که آقایان میخواهند از این طرف ما را متهم بکنند که بعداً تبادل رضایتنامه بکنند.

یکی از نمایندگان - مضروب رئیس انتخاباتی بوده است.

خسرو ریگی - حالا این اتفاق چه بوده؟ سعی میکنم در محدوده حوصله این مجلس خیلی مختصر در باره این اتفاق بنده شرحی بدهم در روز بخصوص



را از زاهدان به شهربانی مشهد بردند در شهربانی مشهد شهنور ریگی جوانی بود یا مریض بود یا مریض شد مرد یا او را کشتند در فامیل ریگی یکی از مصیبت‌هایی که فراموش نمیشود. این است که نه از جسد شهنور ریگی خبری داریم و نه از گورش، اینها فراموش نمیشود این رابطه ای بود که بارضاخان بود در رابطه با علم نمیدانم ادعای اغراق آمیزی است یا نه، ولیکن اجازه بفرمائید عرض کنم به حدس من تنها فامیل، تنها خانواده‌ای، تنها افرادی که در دوران قدرت علم با علمین مبارزه کردند تیره‌ای از فامیل ریگی و بخصوص پدر مرحوم من بوده در سال ۱۳۲۴ خزیمه علم فرماندار کل زاهدان بود، سیستان و بلوچستان هنوز استانداری نشده بودند فرمانداری کل بودند در زیر نظر استانداری کرمان و فرماندار کل زاهدان خزیمه علم بود که اندیدی را که میخواستند در آنجا از توری صندوق در بیاورند ارباب مهدی میلیاردر و صاحب جوادیه بود نخست وزیر وقت آقای سهیلی و وزیر کشور وقت هم آقای تدین بود، فامیل ریگی به همبستگی رسید به ائتلاف رسید، از تمام طوایف بلوچستان و نه تنها از شهرستان خاش خواستند مراد ریگی را وکیل بکنند نمیگذاشتند، دولت یون نمیگذاشتند. اعتبارنامه ایشان صادر نشد بعداً ایشان در هر حال به مجلس آمد، در مجلس یک کتابچه‌ای چاپ کرد، در این کتابچه با علم و علمین با همین لفظ مبارزه کرد، من وقتی کلام خودم را دارم می‌گویم نمیتوانم صبر بکنم، نقل بکنم و بخوانم و این تنها کتابچه‌ای است که چاپ شده است، لازم نیست شما را در جریان بگذارم اضافه بر اینکه عرض کردم همین دوسه کلام را باید خدمتان بگویم، اولاً کسانی را که محرك و اکثرهای این پيس نمايشنامه هستند مانند خزيمه علم فرماندار زاهدان و غيره در محل باقی‌گذارده یا قبلاً به عمال و همدستان او مأموریت میدهند و ثانیاً پدر و کسان اینجانب را از محل دور و تبعید می‌کنند که به این وسایل آثار دیگری به سوابق و یادگارهای ننگین خود بیفزایند آقایان، خانمهای محترم، دارند به خریمه علم و امیر شوکت الملک علم میگویند یادگارهای ننگین میگذارند میگویند اکثر و نمايشنامه طرح می‌کنند در آن دوران حرف کوچکی نبود ادامه میدهد باید دولت و نمایندگان محترم تحقیق قضیه را از دست و تحت نفوذ شرکت ارباب مهدی و علم و علمین خارج و به تهران احاله و هیأتی از قضات و اشخاصی که مورد اعتماد و اطمینان کامل نمایندگان محترم مجلس و دولت باشند مأمور رسیدگی و تحقیق نمایند. حتی خیال می‌کنم اکثر خوانندگان محترم مطلع باشند انتصاب آقای خزیمه علم به فرمانداری زاهدان روی نظر استعمار طلبی مرحوم امیر شوکت الملک علم، مالک الرقاب سابق سیستان و قائنات بوده که همیشه اتصال بلوچستان را به حوزه حکم فرمائی و تیولات خود مطمح نظر قرار داده بوده است و به همین مناسبت خود و کسانش کوشش داشتند کسانی که در بلوچستان دارای اهمیت و نفوذ محلی هستند کوچک و ذلیل شوند و تنها سیاست و اساس مأموریت فرماندار زاهدان همین بوده است و پس، این از افتخارات من است که پدر بنده فعالیت داشته ضمناً بنده هیچ اصراری ندارم در بلوچستان هم اصراری نداشتم که به مناسبت فعالیت پدرم به بنده رای بدهند یا به بنده کمک بکنند ولی از افتخارات پدر بنده است که در زمان طاغوت بانزدیکترین کسان به طاغوت بدین طریق به جنگ برخاسته و نه، ترسیده و نه، هراسیده است. در رابطه به محمدرضا پدر بنده دوره هفدهم وکیل مجلس بود بنده سال آخر دبیرستان را میگذراندم پدر بنده به مصدق و یاران مصدق ملحق شد بر علیه محمدرضا فعالیت می‌کرد، بر علیه محمدرضا در آن زمان در مجلس شورای ملی متحصن میشد و شبها میخواستند ایشان جزو مستعفیانی بود که مجلس را منحل کردند در جهت سیاست ضد استعماری و ملی دکتر محمد مصدق ایشان استعفا کرد. ۲۸ مرداد که زاهدی آمد ایشان به خارج از بلوچستان تبعید شد نگفتند به کجا بروگفتند به حوزه انتخابیه ات حق نداری بروی، ایشان به شیراز رفت و تا آخر عمرش در شیراز بود. بنده خیلی معذرت میخواهم من نمیتوانم به این سؤالاتی که در اینجا می‌آید جواب بدهم.

سید ابوالفضل موسوی - آقا بنده یک سؤال دارم (زنگ رئیس)

خسرو ریگی - خواهش می‌کنم اجازه بفرمائید، لطف بکنید که من از مسیر گفتاری که تهیه کرده‌ام خارج نشوم.

رئیس - خواهش می‌کنم اجازه بدهید آقای ریگی به صحبتشان ادامه بدهند.

خسرو ریگی - این ده دقیقه وقت منحصرأ مال بنده است خواهش می‌کنم

اجازه بفرمائید، در رابطه با انقلاب اسلامی و فامیل ریگی به مناسبت فعالیت‌های خود من و چند نفر دیگر، فامیل ریگی از اولین طوایف بلوچ سرحد بلوچستان و حوالی تفتان است که اعلام همبستگی با انقلاب اسلامی کرد من در این باره این را یکی از افتخارات خودم میدانم، من شخصاً به نمایندگی از طرف مردم بلوچ و بخصوص از طرف فامیل ریگی در خدمت جناب مولوی عبدالعزیز در ده روز اول پیروزی انقلاب به تهران آمدم و برای اعلام همبستگی از طرف مردم بلوچ به خدمت امام رسیدم، یادآور بشوم که فامیل ریگی اولین شهید را بعد از انقلاب در بلوچستان در خدمت جهاد سازندگی داد، گفتم، امام بخش ریگی، حسین ریگی، شخص دیگری است که در چند ماه گذشته در راه انقلاب به دست ضدانقلابیون کشته شد ایشان رئیس آموزش و پرورش شهرستان چابهار بود یک جمله مختصری هم درباره بلوچستان بگویم قبل از اینکه بخود برسم و چند دقیقه آخر را منحصر به فعالیت‌های آموزشی و شخصی و سیاسی خودم بکنم صحبت زیاد است که در بلوچستان مسأله، مسأله خان است من که خان نیستم این که واضح و آشکار باید باشد ولی مسأله بلوچستان هم مسأله خان نیست، مسأله بلوچستان، مسأله فقر است، مسأله بی‌آبی است مسأله بدون جاده بودن است و مسأله نداشتن بهداشت است، مسأله نداشتن مدرسه است، معذرت میخواهم که راجع به بهداشت باید در حضور آقایان عرض بکنم که مسأله نداشتن مستراح است، خیلی وضع فلاکت بار است، باعث تأسف من است که در یک همچو موقعی توجه خانها و آقایان محترم را به این مسائل جلب میکنم چون بنده باید از خودم دفاع بکنم بنده آمده بودم اینجا که از حقوق اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مردم بلوچ دفاع بکنم. خان‌های بلوچستان ریش سفیدهای فامیل خودشان هستند، با فامیل خودشان زیر چادر سیاه زندگی می‌کنند، ثروت ندارند، فتودال در یک بافتی اجتماعی که بر مبنای کشاورزی، زمین‌داری و مالک غایب بودن است معنی دارد در بافت شبانی معنی ندارد ثروت مانند حیوان زنده راه می‌رود ولی جمع نمیشود. فرق طبقاتی در زندگی شبانی به حداقل است بروید ببینید هستند آقایانی که میدانند در بلوچستان خانهای بزرگ از زارعین کوچک خراسان کمتر زمین و ثروت دارند و اصلاً هیچ چیز ندارند مسأله، خان نیست، مسأله را دقیق بفهمید، مسأله یک جای دیگر است در محرومیتی که به زبان رئیس جمهور این مملکت غیر قابل توصیف است که سرتاسر منطقه را گرفته است کاخ گچ‌بری و آئینه‌بری مسخره است وجود خارجی ندارد در منطقه‌ای که آقایان اینجا توصیف کرده‌اند فقرشان به آن درجه رسیده که بچه‌ها در دبستان و دبیرستان برای تغذیه می‌روند به صحرا و علف می‌خورند. حال این صحیح است یا غلط نمونه‌ای است از نهایت فقر، و این فقر فراگیر و همه‌گیر است، درباره خود بنده، بنده که به آمریکا رفته در دو رشته مختلف، در دو جهت مختلف به فعالیت شروع کردم که بعد از مدتی این دو تا بهم رسید در ابتدای کار بنده تحت تأثیر عدم بهداشت و دردهای جسمانی این مردم بودم، یادم هست که بنده خودم برای برادری دو سال و نیمه بدنبال دکتر می‌دویدم دکتر نبود وقتی برگشتم گفتند دیر شده است، فوت کرده است، بگذریم این در من تأثیری گذاشته بود که من بروم دکتر طب بشوم وقتی که بنده قبولی دانشکده طب را گرفتم به خودم گفتم این بهترین روز زندگی من است دیگر راه باز شد و بنده به سر منزل مقصود رسیدم در آن تابستان بعد بنده به ایران آمدم از آمریکا که به ایران آمدم فقر اقتصادی سیلی‌ای به گوش من زد آقا مردم جسمانی زنده هستند و بعد می‌میرند خدا کریم است، فقر اقتصادی را چه باید کرد؟ بنده به این فهم برگشتم که نبودن تکنیک مسأله اقتصادی ما را حل خواهد کرد بنده به دانشکده مهندسی نفت رفتم بعد از مدتی به این نتیجه رسیدم که کلید دردهای اجتماعی ایران مسأله سیاسی است و مسأله پادشاهی است که آن باید حل بشود به این دلیل بنده به دانشکده حقوق سیاسی رفتم که جریان چیست؟ سیاست چیست؟ چکار باید بکنیم؟ معنای پادشاهی چیست آنهایی که پادشاه ندارند چه کار می‌کنند؟ مسأله چیست؟ انقلاب چیست؟ بنده تز دکترایم را شروع کردم به نوشتن در راه انقلاب، انقلاب چیست؟ رابطه‌اش با اقتصاد چیست؟ مدت زیادی روی این مسأله بنده کار کردم و دیدم دارم دور میشوم این تئوریهای گل و گشاد غربی درباره اقتصاد و درباره تولید بنده را دارد از مسأله ایران دور می‌کند، یک روز یک جزوه‌ای از ایران برای من رسیده بود پسر خاله دوستی دارم که برای من تکه تکه جزوه‌هایی میفرستد که راجع به داستان رستم و اسفندیار بود بنده شروع کرده بودم به خواندن آنها دیدم ای داد، ای داد، تئوری ضد پادشاهی در شاهنامه فردوسی نهفته



رئیس- از آقایان خواهش می‌کنم توجه بفرمائید تصریح آئین‌نامه اینست که مخالف اگر یک نفر باشد، نیم ساعت می‌تواند صحبت کند و اگر متعدد باشند هر کدام یک ربع باید صحبت کنند و به اندازه وقتی که مخالفان صحبت کردند شخص مورد اعتراض باید دفاع کند و مافوق وقتی که برای ایشان معین شده یک ساعت است. در آئین‌نامه بعد از دفاع شخص طرف اعتراض هیچ امری تصریح ندارد و بلافاصله باید رای گرفته بشود. اما در جلسات گذشته نظر مشورتی کمیسیونی که داشته‌ایم این بوده است که دو نفر از آقایان بعداً باز مطالبی بعنوان سؤال مطرح کنند ولی گویانکه باز بعد از این سؤالها مطالب دیگری مطرح خواهد شد حالا آقایان اگر این را کافی می‌دانند برای اینکه مطابق آئین‌نامه باید اینجا اعتراض هم میشد خصوصاً در مورد یکی از آقایان که چرا سؤال دوم مطرح شد که طرف اعتراض نتوانست آنطوریکه باید دفاع کند. بنابراین به اعتبارنامه‌شان صدمه خورد بنابراین برای اینکه مبادا باز این اصل مطرح بشود این موضوع را به نظر ورای آقایان می‌گذارم. آیا من در این باره عمل رای گیری بکنم یا اینکه می‌خواهید مطالب و سؤالاتی مطرح کنید که ایشان جواب بدهند (جمعی از نمایندگان - رای بگیریید) آقایانی که با رای گرفتن بلافاصله موافق هستند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) رد شد.

محمد یزدی- سؤالاتی که در اتهامات است جواب داده نشد (زنگ رئیس).
رئیس- بعد مطرح می‌کنند ایشان به ترتیب جواب خواهند گفت و آقای دکتر یزدی تشریف می‌آورند و درباره سؤالات توضیح می‌دهند.
محمد خامنه‌ای- آقای ریگی استعفای تقدیم شما کردند آیا شما قبول کردید یا نکردید؟ (رئیس- من قبول نکردم) دلیلش را باید بفرمائید اگر موجه باشد رای گیری میشود کرد و اما اگر موجه نباشد و استعفای ایشان موجه باشد رای گیری لزومی ندارد.
یکی از نمایندگان- یک پیشنهاد دارم که تنفس اعلام کنید و رؤسای شعب و هیأت رئیسه در مورد استعفا تصمیم بگیرند.
کیاوش- چرا رؤسای شعب باید با حضور نمایندگان مردم باشد.
رئیس- یک ربع تنفس داده میشود.

(جلسه در ساعت یازده و پنج دقیقه صبح بعنوان تنفس تعطیل و مجدداً ساعت دوازده بریاست آقای دکتریدالله سجایی تشکیل شد)

رئیس- بسم الله الرحمن الرحيم، نتیجه مشورتی که با آقایان دیگر شد به اطلاع آقایان می‌رسانم در این خصوص بحث شد که هیچ الزام آئین‌نامه‌ای نبوده است بهرحال نظری داده‌اند که زودتر به نتیجه نزدیک شود اول آقای ریگی استعفاء کرده بودند و بنده شخصاً از اختیار خودم استفاده می‌کنم و استعفای ایشان را نمی‌پذیرم ایشان باید اگر آقایان نظری داشته باشند از خودشان دفاع کنند و آنرا به رای مجلس می‌گذاریم که درباره اعتبارنامه ایشان اظهار نظر کنند برای ادامه بحث اول خود آقای دکتر یزدی مخبر کمیسیون تحقیق تشریف می‌آورند و مطالبی را که آقای ریگی جواب نداده‌اند یا ناقص مانده‌است می‌گویند و ادعائی را که در مورد خودشان کرده‌اند بیان می‌کنند و آقای ریگی در این فاصله خودشان را آماده می‌کنند برای جواب دادن آن سائل ضمناً آقایانی که سؤال دارند سؤال خودشان را بنویسند و برای هیأت رئیسه بفرستند چون بعضی مطالب و سؤالات احتمالاً انحراف پیدا می‌کند در اینجا خود من سؤالها را یک یک به آقای ریگی عرضه خواهم کرد که ایشان جواب بدهند برای اینکه زودتر نتیجه بگیریم و فرد فرد جداگانه سؤالها را مطرح نکنند بنابراین از آقای دکتر یزدی خواهش می‌کنم مطلبی را که لازم می‌دانند در این زمینه بیان بفرمایند ضمناً آقایان سؤالهای خودشان را مرقوم بفرمایند و بفرستند چون بلافاصله بعد از صحبت آقای دکتر یزدی سؤالات خود آقایان بوسیله هیأت رئیسه مطرح خواهد شد.

دکتر یزدی (مخبر کمیسیون تحقیق)- بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. آقایان و خانمها سلام عليكم، آنچه را که کمیسیون گزارش داد در مورد انتخابات و صلاحیت فرد مجدداً می‌خوانم و توضیح میدهم. یک قسمت مربوط به این بوده که انجمن نظارت بر انتخابات و کلیه رؤسای آنها از ستگان آقای ریگی بودند و در انتخابات دخالت می‌کردند گزارش دو سند در اینجا موجود است گزارش نماینده اعزامی وزارت کشور برای بررسی کیفیت انتخابات از آقای محمد حسین کریم پور احمدی است و یکی هم گزارش دو نفر اعضای کمیسیون تحقیق هست که به دلیل شکایات متعددی که راجع به این پرونده وجود داشت به منطقه اعزام شدند یعنی نه تنها، این

است بعد از مطالعاتی فهمیدم که به مناسبت غرب زدگی روشنفکران ایران که دنبال تئوریهائی درباره شاهنامه از نوتکه آلمانی و ادوارد براون انگلیسی فهمیده بودند اینها اینطور فهمیده بودند و می‌گفتند که ظاهر یک بعدی یعنی یک سطح را نگاه کرده بودند و فکر کردند که شاهنامه یعنی زنده بادشاه، زنده باد شاه، در حالیکه این طور نیست، بنده، راهم را عوض کردم و به دنبال راه دیگری رفتم، بنده شش سال و نیم تز شاهنامه را نوشتم که به نظر من اگر اغراق نباشد یکی از افتخارات من است و خودم را راضی کرده‌ام کمی از خودم در خدمت شما تعریف بکنم اینست که یکی از بهترین کارهای شاگردان ایرانی که در خارج انجام داده‌اند کاریست که بنده انجام داده‌ام یک خط غلطی را درباره یکی از بهترین و فهمیده‌ترین افراد بشر که نامه‌ای از بهشت برای او نوشته و حقایق زندگی را بخصوص درباره پادشاهی برای خود مردم ما شرح داده و هفتصد سال قبل از شکسپیر این حرفها را زده است بنده آنرا به روی کاغذ آورده‌ام بر ضد تئوریهای غرب زده ما و دیگران ...

محمد یزدی - آقای دکتر اجازه می‌فرمائید سؤالی دارم راجع به اتهامات ایشان (زنگ رئیس) ایشان که خودشان توضیح ندادند اگر اجازه بدهید این سؤال را بکنم.
ریگی - چه سؤالی.

محمد یزدی - راجع به اتهامات یک سؤال مانده است (زنگ رئیس).
ریگی - بنده یک دقیقه اجازه گرفتم که صحبت کنم (محمد یزدی- گفتم سؤالی هست که باید...) اجازه بدهید من از جناب رئیس یک دقیقه وقت گرفته‌ام. بنده در ۳۰ تیر در خیابانهای تهران بودم در ۲۸ سردادر میدان بهارستان بودم برای اولین بار گفتم ماشاء نمی‌خواهیم من بودم که گفتم ماشاء نمی‌خواهیم به اسیرکا که رفتم فعالیت‌های سیاسی خودم را (رئیس - از یک دقیقه وقتان استفاده کنید) که در مبارزه با ساواک پنجه نرم کردم مقایسه نمی‌کنم قابل مقایسه نیست ولی با تئوری پادشاهی...
خلخالی - به این دلیل به نفع شما هم هست ...

ریگی - بنده درباره تئوری پادشاهی که در غرب متداول شده بود که «ایران کشوری است از نظر اقتصادی فقیر و از نظر فرهنگی نفهم و باید به دست جوانی تحصیل کرده غرب بنام محمد رضا به قرن بیستم کشیده بشود» بنده با این مخالفت کردم در این راه قدم بر میداشتم این فرق دارد با کسانی که با خود ساواک پنجه نرم میکردند ولی جناب آقای لاهوتی بی‌انصافی می‌فرمایند که بنده هیچگونه قدمی برنداشتم آقایان محترم حرف به اتمام رسیده خدمت شما این را عرض می‌کنم (محمد یزدی- آقا بنده یک سؤال دارم) و در پایان بنده استعفانامه‌ای را نوشته‌ام خدمت آقایان محترم و خدمت رئیس مجلس تقدیم می‌کنم به این دلیل است که من به این نتیجه رسیدم که کمیسیون تحقیق در این مجلس شورای اسلامی به حق و حقیقت نرسید و استقبالی که خانم‌ها و آقایان محترم از گزارش کمیسیون تحقیق کردند بنده را به این نتیجه رساند که بنده در خدمت آقایان نمی‌توانم برای مردم بلوچستان خدمت بکنم، من دیگر با آقایان حسن تفاهم ندارم شما هم با من ندارید به این مناسبت بنده این استعفانامه را تقدیم می‌کنم و این استعفانامه آخرین کلام بنده است که برای شما ثابت بکند که بنده در اینجا یک کلام اغراق و دروغ برای قانع کردن شما که به اعتبارنامه من رای بدهید نگفتم و از اول تا پایان همه حقیقت گفتم و یک کلام بجز حقیقت نبوده است از خدای متعال تقاضا می‌کنم که به زبان حافظ به شما فرصت بدهد برای بدست آوردن حقیقت و برای نزدیک شدن به حاکمیت مردم، مردمی که به من رای دادند و مرا اینجا فرستادند خدا حافظ شما.

منشی - آقای ریگی جنابعالی باید تشریف داشته باشید که سؤالها را جواب بگویند. (همه نمایندگان- زنگ رئیس).

یکی از نمایندگان - سؤالها را ایشان باید جواب بدهند؟
انصاری- بله، ایشان باید به سؤالات جواب بدهند (زنگ رئیس).

آقا محمدی - ایشان حق بود قبل از دفاع استعفا می‌کردند و الان موضوع باید به رای مجلس گذاشته شود تا ماهیت بخوبی روشن بشود استعفا در این موضع نمی‌تواند موجه باشد (همه نمایندگان - زنگ رئیس).

حجتی کرمانی- آقای دکتر یزدی بعنوان مخبر کمیسیون تحقیق به این سائلی که ایشان فرمودند توضیح بدهند (همه نمایندگان)

جمعی از نمایندگان- استعفا را قبول نکنید (زنگ رئیس)

دکتر یزدی- و این گزارش است که بازرسی ویژه وزارت کشور در شمارش چند صندوق دیگر می دهد حکایت می کند از ۸ صندوق که رسیدگی شد بغیر از ۵ صندوق در تمام صندوقها تقلب شده و بعد می آید چند آمار می دهد ۲۳۲ ته چک بدون تاریخ تولد رای دهنده تاریخ تولد کمتر از شانزده سال رای دهنده اعداد و ارقام نامتناسب درج شده بود به جای تاریخ تولد هفتصد و شصت و پنج قلم ته چک بدون امضاء نماینده بخشدار، فرماندار، منشی صندوق وجود داشته ۹۹۷ قلم تقلب، سهل انگاری، تخلف و هر عنوان دیگر که بستگی به مسؤولین اسرار دارد دیده شده بازرسی ویژه دوباره در اینجا تکرار می کند و تأیید می کند که ظرف این چند روز بخوبی از جو صحتها و مذاکرات معلوم شد که اعضای هیأت اجرائی به جز یک نفر رئیس دادگاه که غیربومی بود و انجمن نظارت مرکزی کاملاً یک طرفه انتخاب شده و طرفدار دکتر خسرو ریگی هستند و حتی یک نفر در این جمع از طایفه جمازه ای، خاشی، شهنوازی و غیره طرفداران خاشی نبوده اند باز هم یک بازرسی دیگری را ذکر می کند در بخشداریه های نصرت آباد و میرجاوه مستقلاً تا اندازه ای عمل نموده و بخشداری نوک آباد منطقه مورد شکایت آقای خاشی نقش چندانی نداشته و دخالت فرماندار خاش بخوبی مشهود است این موارد را کاملاً ذکر می کند یک مورد دیگر در مورد برادر رقیب انتخاباتی که آقای ریگی فرمودند که اینها اختلافات طایفه ای است و شاید هم درست باشد اما برای کمیسیون تحقیق قابل قبول نبوده که این انتقام گیریهای طایفه ای دقیقاً در زمان انتخابات و در رابطه با کسی باشد که رئیس ستاد انتخاباتی رقیب است این برای ما قابل قبول نبود یعنی انتخاب زمان این حمله و مجروح کردن و بعد بردن و در خارج از شهر انداختن در آن شرایط یک جوی از رعب و ترس و وحشت رابه تشخیص کمیسیون تحقیق با توجه به این مسائل در شهر بوجود آورده، حالا در این قسمت نوشته شده که چه کسانی چه رابطه ای داشتند فرماندار خاش پسر عمه کاندیدا شهردار پسر عمه ایشان رئیس کشاورزی پسر عمه ایشان عبدالرحمن ریگی مدیرعامل شیرو خورشید چه زمان حال چه زمان طاغوت و رئیس انجمن شهر در زمان طاغوت و حال میرکاتمی رئیس سازمان تعاون و عضو تحمیلی شورای شهر مهین ریگی معاون آموزش و پرورش گروه بان ژاندارمری احمدزاددهش اینها یکی یکی تمام اسامی را ذکر کردند پس بنابراین موارد این غیر از این مواردی که تقلبات و تخلفات شده در هیأتی که اعزام شدند به خاش آنجا با افراد محلی هم مصاحبه های کردند معلوم شد که در مناطق که بلوچهای چادر نشین هستند بجای اینکه صندوقها رابه محل ببرند شناسنامه ها را جمع کرده اند و برده اند رای داده اند بطوریکه هیچ یک از افراد محلی نمی دانستند که اینها به کی رای داده اند. شناسنامه ها را از توی چادر نشینها جمع کرده بودند و برده بودند در یک مرکزی برای آنها رای داده بودند این یک نمونه هائی بوده است از آن چیزیکه مابعد توان تقلبات و تخلفات و جانبداری و دخالت ذکر کردیم.

رئیس - آقای دکتر یزدی یک قدری تند تر بفرمائید.

دکتر یزدی - چشم، اسادر مورد عملکرد ما اینجا اشاره کردیم به بافت عشیره ای و عملکرد اینها آقای ریگی با نهایت ظرافت مسائل را به سالیان قبل برگرداندند من کاری ندارم به اینکه در زمان رضاخان پالانی معروف به رضا خان دلیل تبعید و دستگیری سران خوانین چه بوده است؟ آیا دلیل سیاسی داشته یا دلایل غیر سیاسی؟ اما در همین خاش بعد از انقلاب در وقتی که جریانات زاهدان رخ داد که کل منطقه به دلایلی که همین آقایان ایجاد کرده بودند آستان حوادث بزرگی بود بعد من در مسوولیتی که به عهده ام گذاشته شده بود به زاهدان رفتم و بعد رفتم به خاش به تحریک همین آقایانیکه اسامی شان در اینجا به عنوان رؤسای شهرداری و فرمانداری است. آن چنان جوی در خاش به وجود آمده بود که سپاه پاسداران و جهاد سازندگی را محاصره کرده بودند و به آنها اولتیماتوم داده بودند که اگر تا فلان ساعت از شهر خارج نشوید خون خودتان پای خودتان است بطوریکه ساعت دو و نیم بعد از نیمه شب از خاش به من در زاهدان تلفن کردند که ما چه کار باید بکنیم؟ ما هم از آنها خواستیم که خودشان بنشینند با توجه به تمام مسائل بحث کنند تصمیم بگیرند وقتی که تصمیمشان را گرفتند به من هم بگویند من هم مشورتی می کنم با هم ببینیم که چه کار باید کرد ساعت دو بعد از نیم شب یا سه بعد از نیم شب بود که اینها بالاخره تصمیم می گیرند که برای حفظ جان خودشان از جهاد سازندگی از مقر خودش و سپاه پاسداران از مقر خودش بیرون بیایند و بروند

اسناد را در پرونده بررسی کردیم بلکه برای اطمینان خاطر و رسیدگی به این مواردی که ذکر شده دو نفر از کمیسیون تحقیق به منطقه رفتند و دو نفر هم این موارد را تأیید کردند به موجب این گزارش فرماندار، شهردار، رئیس سازمان تعاون آموزش و پرورش، ثبت احوال رئیس... (این قسمتی است که درست نمی توانم بخوانم) رئیس انجمن شهر همگی از خانواده ریگی هستند من در اینجا اسامی اینها را دقیقاً ندارم که بخوانم اما در رسیدگی به تقلبات و تخلفات دیده شده در تاریخ ۲/۱۳ جلسه ای در خود خاش در فرمانداری با حضور هیأت اجرائی و انجمن نظارت مرکزی و کاندیداهای هر دو طرف تشکیل میشود روز چهارشنبه بوده روز پنجشنبه بوده و ۱۳ صندوق را که بیش از ۴ هزار رای بوده رسیدگی می کنند و تخلفات و تقلبات متعددی در اینجا ذکر میشود نمیدانم میخواهید همه اینها را بخوانم یا نه؟ صبح پنجشنبه با حضور آقایان خسرو ریگی و خاش کاندیدای برنده و بازنده و هیأت اجرائی و انجمن نظارت مرکزی جلسه شروع و چند ساعت پیرامون یکی از درخواستهای شاکی مبنی بر کنترل ۱۳ صندوق بخش نکا آباد که بیش از ۴ هزار رای به نفع آقای ریگی به صندوق ریخته شده آقای فرماندار اظهار داشتند که چنانچه بخواهند ۱۳ صندوق را کنترل نمایند پس باید چند صندوق از محلها می که آقای خاش رای آورده اند نیز کنترل شود در صورتی که به شاکی ظرف ۴۸ ساعت مهلت داده شده بعد از اتمام انتخابات درخواست خود را عنوان کرده و کاندیدای دیگر چنین حقی را ندارد. معهداً منظور آقای فرماندار مشکوک به نظر میرسد به این گزارش بازرسی وزارت کشور توجه کنید. به اصرار آقای فرماندار از صندوقهای آقای خاش، کنترل شروع شد بدین ترتیب که در حضور اعضای انجمن نظارت یک یک آراء از صندوق در آورده و با مشخصات رای دهنده قرائت شد آقای خاش و آقای ریگی هر دو کاندیدا مشخصات را ثبت و در فرمهای بخصوصی پر نموده و تا در پایان ثبت مشخصات کلیه رای دهندگان یک صندوق و صندوق دیگر هم ثبت شود تا در فرصت مناسب اسامی و مشخصات درج شده در صندوقها دو بدو کنترل شوند اولین صندوق مذکور باز و در حضور حضار شروع به کنترل شد و فقط ثبت ۳۰۰ رای ۵ ساعت و نیم طول کشید با توجه به اینکه پس از ثبت مطابقت اسامی و مشخصات هر یک از صندوقها نیاز به چند ماه فرصت دارد تصمیم اینطور گرفته شد (بیشتر به اصرار آقای فرماندار و آقای ریگی).

ریگی - آقای رئیس اجازه میدهید (رئیس - بعداً مطلبتان را بفرمائید)

قبل از اینکه به سؤال برسد بنده یک مختصری عرض داشتم.

رئیس - آقا مطلبتان را بعداً بفرمائید.

دکتر یزدی - کلیه صندوقها بیش از ۱۴ هزار رای.

ریگی - آقای رئیس بنده برای جواب دادن بلند نشدم معذرت میخواهم

بنده شرط ادب را بجا آوردم عرض کردم بنده به استعفا خودم پا بر جا هستم شما استعفای بنده را نپذیرفتید و دلیل اینکه بنده اینجا آمدم این بود که شما فرمودید فعلاً باشید و منتهم قبول کردم ولیکن نمیخواهم اینطور تلقی شود همانطور که در استعفا نامه ام آورده ام اتهاماتی که به من وارد شده، مورد قبول است و به همین مناسبت بنده دفاع کردم و بعد استعفای خودم را تقدیم داشتم بنده دیگر دلیلی نمی بینم که در این گفتگو شرکت کنم و برای اینکه این گزارشات خواننده شود وقت مجلس را بیهوده بگیرم (زنگ رئیس - همه هم نمایندگان).

دکتر یزدی - این صحیح نیست آقای ریگی مطلبی فرمودند که کمیسیون تحقیق دقیقاً رسیدگی نکرده اگر ایشان نمیخواستند وارد ماجرا بشوند باید قبل از آنکه به دفاع از خودشان می پرداختند استعفا میدادند ایشان آمده اند مطالب خودشان را بطور حماسی فرموده اند و دفاع بسیار خوبی هم کرده اند و در ضمن در پایان گفته اند که کمیسیون تحقیق کار خودش را خوب انجام نداده این چه ضوابطی این رای را دادیم بعد از اینکه این روشن شد و مجلس رای داد آنوقت ایشان مختار هستند که استعفا بدهند یا نه و دولتی من این اجازه را بخودم می دهم که از حیثیت کمیسیون تحقیق دفاع کنم (زنگ رئیس) (ریگی - بودن من در اینجا...)

رئیس - آقای ریگی شما بفرمائید بنشینید بعد از صحبت آقای دکتر یزدی اجازه می دهم که شما بیایید و دفاع کنید و اگر بعد از صحبت ایشان باز مصریه استعفای خود باشید آنوقت ممکن است استعفای شما را قبول کنم و دیگر رای گیری بعمل نیاید.

لاهوتی - من یک تذکره آئین نامه ای دارم.
رئیس - بسیار خوب بفرمائید.

لاهوتی - می خواستم سؤال کنم نماینده ای که روز قبل مخالفین درباره عدم صلاحیت او بحث کرده اند آیا حق دارد شب برود و یا هم فکانش دفاعیه ای به این صورت تنظیم بکند و امروز بیاورد اینجا آیا این از نظر آئین نامه صحیح است
رئیس - کجای آئین نامه در این مورد مخالفتی دارد.

یزدی - چون آقای رئیس فرمودند که من خلاصه بکنم بعرض میرسانم که در تحقیقات بعدی دقیقاً مشخص شد که این افغانی در رابطه با تقی ریگی این کارها را می کرده و اسنادش هست بعلاوه یک فرد دیگری هم با مبلغ هنگفتی پول نقد در همان جریانات دستگیر شد که طبق اقرار خود آن شخص که در دادگاه انقلاب زاهدان و سپاه پاسداران مانتجویل دادیم رابطه مستقیم خودش را در این جریانات تقی ریگی پنهان کرده است. اما در مورد سوابق خود ایشان که فرمودند چرا ما این جمع بندی را کرده ایم مطلب ما این نبود که یک فردی چندسال در خارج از کشور زندگی کرده است خوب بعضی از خود ما هم بودیم اگر شما در کشور خودتان محروم بودید ما محروم از وطن بودیم و اما اگر نه بیشتر از شما کمتر از شما هم در متن جریانات و مسائل ایران قرار نداشتیم و این جور نبود که بی خبر باشیم چه بسا خیلی بیشتر برای اینکه هر کدام از شما مسائل را از یک زاویه میدیدید و آنچه می فرستادید و ما همه مسائل را در کلیتش میدیدیم اما در صحبت هائی که در کمیسیون تحقیق آقای ریگی در مورد فعالیت های خودشان در خارج از کشور توضیح دادند با توجه به همه مسائل ما این جمع بندی را کردیم که در این مدتی که ایشان در خارج از کشور بودند در متن مسائل ایران هرگز نبوده اند و این جمع بندی ما است. بعنوان نمونه من تعجب کردم که چرا آقای ریگی آن مطلبی را که در کمیسیون تحقیق گفتند اینجا اشاره نکردند. ایشان به مبارزات خودشان در آمریکا اشاره کردند و من از ایشان سؤال کردم این کجا بوده توضیحاتی که دادند تناقض داشت در زمانی که در سال هزار و نهصد و پنجاه و چند بود هشت بود نه بود یا چهار بود الان یادم نیست در گزارش صورتجلسه هست اولین باری بود که شاید بعد از ۲۸ مرداد شاه به آمریکا رفت آن موقع هنوز کفدراسیون نبود. آن موقع سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا بود که در سال هجده هزار دلار بودجه داشت. دوازده هزار دلارش را که سازمان نظارت بر دانشجویان در خارج می پرداخت که وابسته به وزارت فرهنگ بود یعنی وزارت فرهنگ می پرداخت و شش هزار دلار انجمن آمریکائی دوستداران خاورمیانه، هجده هزار دلار یک چنین بودجه ای را داشته است و کارشان هم این بود که هر وقت شاه می آمد به آمریکا اینها می رفتند یک دسته گلی می دادند و یک ثنا خوانی می کردند و می رفتند هر سال هم کنگره ای تشکیل می شد و مجاری کسانی را که برای شرکت در این کنگره می رفتند از سفارت ایران پرداخت می شد یعنی بلیط رفت و برگشت و مخارج هتل. این وضع آن سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا بود تا سال ۶۰ در سال ۶۰ اولین بار هفده نفر از دانشجویان ایرانی و ایرانیان مقیم نیویورک در برابر کاخ سازمان ملل متحد علیه شاه تظاهراتی کردند همزمان با همان جریان بود که در سالهای ۳۹-۴۰ در تهران شروع شد آن سال در کنگره ای که اردشیر زاهدی از همین انجمن دانشجویان ایرانی در میشیگان دعوت کرد در آنجا زاهدی حمله کرد و فحش داد به آن کسانی که...

رئیس - آقای دکتر یزدی خیلی موضوع را بسط می دهید.

دکتر یزدی - مجبورم آقای دکتر برای اینکه اینجا از حیثیت کمیسیون تحقیق من باید دفاع کنم.

موسوی تبریزی - آقای دکتر سخای بگذارید آبروی کمیسیون تحقیق در سر جای خودش باقی بماند. بگذارید حرفها را بزنند.

رئیس - مطالبی که اینجا گفته شد در این موارد نبود.

دکتر یزدی - آقای دکتر سخای اینجا مطرح شده بعد از ۲۲ بهمن همه انقلابی شدند.

فدائی - آقای دکتر سخای شما از تشنج در جلسه ناراحت هستید ولی خودتان عامل تشنج هستید.

رئیس - آقای دکتر یزدی بفرمائید.

دکتر یزدی - در پایان تابستان سال ۶۰ که کنگره کذائی سازمان

دانشجویان ایرانی به همین ترتیبی که عرض کردم در یکی از هتلهای میشیگان تشکیل میشود آقای اردشیر زاهدی هم می آید افتتاح می کند. طبق همان روال

به پادگان محل. روز بعد ما رفتیم به خاش و در مسجد خاش تمام اینها جمع شدند بسیاری از آقایانی که در اینجا اسم برده شد در آنجا بودند و تمام اینها همین آقایان با فشار و اصرار که سپاه پاسداران و جهاد سازندگی نباید توی شهر باشد هر قدر این جهاد سازندگی و جوانهائی که آنجا دیدیم که با چه روحیه ای رفته بودند در آنجا، بدون اینکه دیناری حقوق بگیرند رفته بودند به دهات برای لوله کشی آب و برای برق که آنجا تمام گزارشاتشان را مطرح کرده بودند شش یا هفت ساعت تمام ما در مسجد خاش نشستیم و با اینها صحبت کردیم نمایندگان سپاه و جهاد و همه این آقایان فرماندار انجمن شهر و شهردار تمام اینها بودند که آقا چرا این میخواهد به جهاد سازندگی برود اینها آمده اند اینجا به شما کمک بکنند گفتند نه آقا مگر غیر از این است که شما می گوئید اینها معصومند و پیغمبر گونه عمل می کنند مگر نه اینکه پیغمبران خدا را هم از قریه ها بیرون کردند نمیخواهم اینها اینجا باشند.

لاهوتی - رفتارشان را هم یا خودتان که نماینده امام بودید بفرمائید.

دکتر یزدی - من نخواستم به مسأله جنبه شخصی بدهم.

لاهوتی - این جنبه شخصی نیست آقای عزیز.

رئیس - بفرمائید آقای دکتر ادامه بدهید (زنگ رئیس).

دکتر یزدی - سیستم من همیشه این است که اینها چون پایگاه ندارد باید از روی سر اینها پل زد به خود مردم و بهمین دلیل به مسجد رفته و به مردم گفتم، مردم، یا ایها الناس ببینید که وقتی ما می گوئیم دوران صدر اسلام دارد زنده می شود این است که من به عنوان نماینده امام آمده ام در مسجد که خانه خداست شما همه مردم حضور دارید اینها می گویند ولو اینکه جهادشان پیغمبر هم باشد ما این را نمیخواهیم اگر آب نیست، اگر برق نیست، بهداشت نیست بدانید که مسوولش چه کسانی هستند ببینید که چه کسانی نمی گذارند که ما برای شما در اینجا کار بکنیم؟ خود مردم بعدها در برابر اینها ایستادند چرا برای اینکه سیاست من همیشه اینطور بوده است که در این گونه موارد چون معتقدم که اینها پایگاه ندارند باید بخود مردم که صاحب علیه هستند مراجعه کرد وقتی توی مسجد جمع شدیم و مردم هم بودند اینها در برابر فشار مردم نتوانستند مقاومت بکنند وقتی این صحبتها را کردم خود مردم و ادار کردند اینها را که روز بعد یکنفر بیاید به زاهدان و از من بخواهد که جهاد سازندگی را قانع بکنم که نروند از شهر بیرون و از منطقه بیرون نروند.

رئیس - آقای دکتر یزدی یک قدری تندتر صحبت بفرمائید.

دکتر یزدی - بنابراین، این مسأله ای نیست که در گذشته اینها در زمانهای دور چکار می کرده اند از بعد از انقلاب این مسأله مطرح بوده است در خود همین خاش هم مطرح بوده است آن چنان هم جو مسموم و ناراحت کننده بود که دوستان ما برادران عزیز خود ما از اهل تسنن همین جناب آقای موسوی که الان اینجا تشریف دارند در منزل مولوی عبدالعزیز پماتوصیه می کردند که نروید خاش خطرناک است مسکن است خونریزی بشود من گفتم نه من میروم به خاش و میروم توی مسجد در خانه خدای نشینم و با اینها صحبت می کنم و رفتیم و موفق هم شدیم ولی عملکرد این آقایان اینطور است پس چنین نیست که بگوئیم که خوب این بافت این طوی نیست و بعد هم در آن جریانات زاهدان شامی دانید که یکی از کسانی که بطرف مردم تیراندازی می کرد و من همه این اسناد را در اختیار دادگاه انقلاب گذاشتم تا آنها رسیدگی بکنند، چون من مسوول رسیدگی قضائی به این قضایا نبودم از جمله کسانی که در وقایع زاهدان دخالت مستقیم داشته تقی ریگی است. از کسانی که در تیراندازی مستقیم به مردم دخالت داشته و در جریانات تیراندازیهای خیابانی دستگیر شده بود شخصی بود که خودش را بعنوان چاه کن افغانی معرفی کرده بود در مرحله اول هم بدون توجه چون قرار نبود همه دستگاہها...

رئیس - ببخشید آقای دکتر یزدی این قسمت اخیر که می فرمائید اینها در پرونده هست؟

دکتر یزدی - خیر اینها را بنده از خودم دارم توضیح می دهم، بنده کلیاتش را در کمیسیون تحقیق گزارش دادم و دیگر اینجا نخواستم پرده دری بکنم گفتم موضع گیری هائی است که در جریانات انقلاب و بعد از انقلاب رخ داده است.

رئیس - از روی پرونده قرائت بفرمائید، چون خلاصه همه مطالب است.

دکتر یزدی - من سعی می کنم خلاصه بگویم.

به محل رفتند اگر مطلبی جا افتاده شد و مسائلی باشد که بخواهند توضیح بدهند خود این دو نفر آقایان توضیح خواهند داد.

رشیدیان - یکی دو جمله مختصر هست که باید خدمتتان توضیح بدهم.

رئیس - اجازه بفرمائید شاید با جوابی که ایشان دادند قانع شوید.

رشیدیان - بهرحال حق مطلب ادا نشد.

معرفی زاده - ممکن است، در رابطه با همین برنامه نماینده وزارت کشور

انتخابات را ابطال کرده است.

رشیدیان - آقای دکتر من معتقدم که بالاخره حق مطلب ادا نشد.

رئیس - آقای ریگی جواب آقای دکتر یزدی را میدهند اگر خودشان

باز در استعفا پافشاری کردند من همین راسطرح خواهم کرد و تمام موضوعها

منتفی است و اگر مطرح نکردند... (همه نمایندگان - زنگ رئیس)

یکی از نمایندگان - باید دید چه قدرتی بوده که اعتبارنامه آقای ریگی را

صادر نموده باید این مشخص بشود (زنگ رئیس).

رشیدیان - آقای دکتر سخایی بحث درباره کمیسیون تحقیق است بنده هم

رفته‌ام در محل تحقیق کرده‌ام باید بگویم که آقای دکتر یزدی البته جسارت

نمیکند ایشان حق مطلب را بخوبی ادا نکردند بنابراین من یادداشتی فرستادم

خدمتتان بمن پنج دقیقه مهلت بدهید دو جمله عرض میکنم تاروشن کنم.

رئیس - اگر ایشان جواب نداد آنوقت شما مطلبتان را بفرمائید.

رشیدیان - سؤالی دارم که جواب میخواهم.

رئیس - برای این جواب میدهند اگر روشن نشد سؤال جنابعالی مطرح

میشود.

رشیدیان - اجازه بدهید توضیح بدهم روشن بشود.

یکی از نمایندگان - اجازه بدهید شاید توضیحشان مسأله را روشن کند.

رئیس - بفرمائید.

رشیدیان - بسم الله الرحمن الرحيم، خیلی فشرده و مختصر عرض میکنم من

به محل رفته‌ام اولاً ما روی گزارش وزارت کشور، بازرسی وزارت کشور بیش از ۲۰

مورد شمرده‌اند مبنی بر مخدوش بودن انتخابات و عدم صلاحیت آقای خسرو ریگی

و دست آخر پیشنهاد بر عدم صلاحیت ایشان و ابطال انتخابات کرده‌اند ما روی

این مواردی که ایشان ذکر کرده‌اند از خود آقای خسرو ریگی در کمیسیون

تحقیق در حضور اعضای کمیسیون تحقیق سؤال شد آیا نظر این افراد بخصوص

را در مورد خودتان مبنی بر صلاحیت و عدم صلاحیت قبول دارید ایشان قبول

کردند و منشی‌ها هم نوشتند بلی قبول دارم همان‌هایی که قبول داشتند و ما

اجازه نداریم نامشان را ببریم (ریگی - چرا اجازه ندارید نامشان را ببرید)

توضیح میدهم چرا اجازه نداریم زیرا در مورد سایر نمایندگان هم که رد شدند

آنها گواهی دادند که آقای خسرو ریگی صلاحیت ندارد و اگر افکاری هم داشته

باشد چه گراست. وزارت کشور بازرسی فرستاده و او پیشنهاد بر ابطال انتخابات

کرده و ۲ مورد را مبنی بر مخدوش بودن عدم صلاحیت نام برده این یک

مسأله، افراد محل سپاه پاسداران و نیروهای دیگری که مورد وثوق ما هستند

و استاندار محل گواهی داده‌اند که ایشان صلاحیت ندارند و فرماندار خاش

با اصطلاح یک بازی سیاسی برای وزارت کشور درست کرده است بجای اینکه

استعفا بدهند تقاضای مرخصی کرده و چون وزارت کشور موقعیت و وقت احساس

میدانستند تصور کرده که ایشان مرخصی میخواهند درحالیکه ایشان تحت نام

مرخصی میخواسته موقعیت خودش را تثبیت کند، اگر نظرشان این بود که

میخواهند بیطرف باشند باید استعفا میدادند و علت استعفای خودش را که

خویشاوندی با وی میباشد قید میکردند. این یک مسأله، تمام نهاد های انقلابی

و نیروهای انقلابی گواهی داده‌اند که ایشان صلاحیت ندارند بعلاوه ماشین‌هایی

را تهیه کرده‌اند و رفته‌اند در محل عشیره‌ها، قبیله‌هایی که بصورت چادر نشین در

این بیابانهای لم یزرع زندگی میکنند و بصورت رقت‌باری زندگی میکنند اینها را با

ماشین‌های صندوق رای آورده‌اند که مورد اعتراض قرار گرفتند و چون نتوانستند

برگردانده‌اند. از عده‌ای مردم سؤال شد که به چه کسانی رأی داده‌اید گفتند ما

نمیدانیم شناسنامه‌های ما را گرفتند ما نمیدانیم به چه کسانی رأی داده شده است.

علمای محل، روحانیت محل آنهایی که مورد وثوق خودشان هم بوده‌اند سؤال

شد رأی بر عدم صلاحیت ایشان داده شد بعلاوه افراد مورد وثوق گفتند که

بی‌سیم ساواک خاش یا زاهدان الان درست بیادم نیست بدست آقای محمد تقی -

ریگی (معاذی‌خواه - پنج دقیقه بیشتر شد) توی این بی‌سیم بزبان انگلیسی اسم

کذا و کذا با همان اشخاصی که پول میدادند. بلیط می‌دادند در کنگره‌ها

میرفتند یکی از همان افراد هم به اقرار خود آقای ریگی ایشان بوده که در

کنگره‌ها میرفته است. در کمیسیون تحقیق هم اشاره کردند که ما هم در همان کنگره‌ها

می‌رفتیم در آنجا ارشیر زاهدی حمله می‌کند به آن ۱۷ نفری که رفتند در برابر

کاخ سازمان ملل اعتراض کردند و فریاد زدند که ما شاه را محکوم می‌کنیم.

گفت یک مشت مصدق بی‌وطن رفتند و همین باعث شد که چون قبلاً هم دوستان

تدارک دیده بودند جلسه منفجر شد و اردشیر زاهدی فرار کرد. در انتخابات

سازمان دانشجویان در آمریکا برای اولین بار مخالفین شاه متحداً پیروز شدند و

انجمن بدست دانشجویان مخالف شاه، مسلمانها و ملیون افتاد این داستان است

حالا ایشان به کمیسیون آمدند و گفتند من در آنجا مبارزه کردم و از سواری

که ذکر کردند این بود که ما به طرف شاه گوجه پرت کردیم در کمیسیون

تحقیق اینرا ما سؤال کردیم بعد البته ایشان این مطلب را توضیح ندادند یک

جواب دیگری بیان کردند. من مایل نبودم جزئیات این مسائل به این صورت

مطرح شود ولی چون ایشان مطالبی را مطرح فرمودند که خود ایشان چندین

ساعت در کمیسیون تحقیق بودند همه سؤالات مطرح شد ترشان را در آنجا دادند

من در اینجا تزی را که نوشته‌اند ندارم که مطرح کنم من از ایشان گرفتم یک

نگاه و مروری کردم دلم می‌خواست که این در اینجا میبود و من بخشهایی از

آن را می‌خواندم. آخر ایشان که یک مقداری از دفاعیات خودشان را برگرداندند

و بردند بخاطر اینکه من راجع به شاهنامه بعنوان تنها و بزرگترین مرد شاهنشاهی

دفاع کردم من باید بگویم که آخر این تزی چه بوده است چون من آنرا اینجا

ندارم که بگویم. بنابراین از این مسأله میگذرم (لاهوئی - ایشان برای پی‌ریزی

انقلاب اسلامی رفتند پیش اردشیر زاهدی)

دکتر یزدی - نه من آنرا قضاوت نمی‌کنم آقای لاهوئی من فقط مشاهدات

و اطلاعات خودم را میگویم.

لاهوئی - یا برای تأیید آنها رفته بوده است یا برای انقلاب اسلامی.

رئیس - آقای دکتر یزدی ادامه بدهید.

دکتر یزدی - مطلب دیگری که باز هم ما اشاره کردیم به موضع‌گیریهای

آقای ریگی در دانشگاه بلوچستان نسبت به انقلاب اسلامی همان مسائلی است

است که منجر به کشتار زاهدان شد گروههای چپ یا چپ‌نما کسانی که هیچوقت

در مردم آنجا را نفهمیده بودند زیر شعار همان چیزی که در کردستان بنام

شفق سرخ منتشر میکردند و از گروه‌های است که مقدار زیادی از آن جنجال‌ها را

دامن زدند و دامن می‌زنند در بلوچستان هم همین تیپ آقایان بنام بامی استار

منتشر می‌کردند و این گروه همان گروهی است که در خاش این جریان را بوجود

آورد و اعلامیه منتشر کرد و مانع شد که جهاد سازندگی به کارش ادامه بدهد

و آن درگیرها را بوجود آورد در وقایع زاهدان هم این افراد دخالت داشته‌اند

با اشخاص دیگری که حالا من در اینجا اسم نمی‌برم تحقیقاتی که در محل شد

رابطه آقای خسرو ریگی را با یک چنین گروه‌های بیانی می‌کند البته ما رأی

به این ندادیم که حتماً ایشان رابطه دارد ولی این یکی از مواردی بود که مورد

نظر بود بعد هم من اشاره کردم به شخصیت‌های مطلع و مورد وثوق من اساسی

آنها را در اینجا نمیتوانم نام ببرم و اینها شخصیت‌های مذهبی هستند که در محل

حضور دارند و اشخاص را می‌شناسند و آنها هم به ما در همین زمینه نظر دادند

و در مجموع با توجه به این مسائل بود که کمیسیون تحقیق نظر نهائی خودش

را اتخاذ کرده است. عذر میخواهم از اینکه نسبت به بعضی از مسائل بیش از حد

توضیح داده شد یک سؤال کردند که آقای تقی ریگی با آقای خسرو ریگی...

خلخالی - راجع به فرمایشات آقای موسوی توضیح بدهید.

انصاری - جناب خلخالی این جزو سؤالات است.

دکتر یزدی - یک سؤال از من شده اجازه بدهید جواب بدهم از من سؤال

شده تقی ریگی با آقای خسرو ریگی چه رابطه‌ای دارد من نمیدانم چه رابطه‌ای

دارد و من هم این را مبنا قرار نداده‌ام ولی چون بحث بر سر این شد که خوانین

ریگی دارای چه سوابقی هستند من لازم دانستم که برخی از سوابقی را که ما با آن

برخورد کردیم و مطلع هستیم بیان بکنیم. بنده هرگز به این اعتقاد ندارم

کمیسیون تحقیق هم باین دلیل رأی نداد که ایشان از خانواده ریگی هستند.

نه باین دلیل رأی نداد. خیلی ممنون و متشکرم (زنگ رئیس) عذر میخواهم

اگر مطلبی راجعاً انداختم آقای رشیدیان و آقای دکتر شیرازیان از طرف کمیسیون



ایشان هر شب گفته میشود و ما نمیدانیم محتوای سخن چیست ؟

رئیس - آقای صلاح‌الدین بیانی .

صلاح‌الدین بیانی - انسان در مورد کسی که میخواهد قضاوت کند . اطلاعاتی را که دارد باید در میان بگذارد و این مسأله یک وظیفه اخلاقی و انسانی و اسلامی برای من بوجود آورد که آنچیزی که در مورد آقای ریگی اطلاع دارم بعرضتان برسانم . دیشب من و جناب مولوی نظر محمد و خود آقای ریگی در هتل هما خدمت مولوی عبدالعزیز بودیم (معاذیخواه - شما بعنوان موافق صحبت می‌کنید یا مخالف ؟) بعنوان یک شاهد، ایشان گفتند مورد تأیید علمای اسلامی است من می‌خواهم ببینم آقای مولوی عبدالعزیز از علمای اسلام هستند یا نیستند ؟ آیا مورد تأیید جمهوری هستند یا نیستند ؟

یکی از نمایندگان - این ربطی به مسأله ندارد .

یکی از نمایندگان - نگذارید صحبت کند .

بیانی - نظر علمای بلوچستان در مورد ایشان حجت است شهادت علمای خاش در مورد من حجت است هیچ دلیلی ندارد که ...

آقامحمدی - ایشان ایراد میگیرند که چرا فلان روحانی گواهی کرده شما میفرمائید که در صلاحیت دارند بحث میکنند حجت نفرمائید (مهمه نمایندگان - زنگ رئیس) آقای مولوی عبدالعزیز نظرشان محترم است چرا شما تحریف میکنید .

بیانی - بنده نگفتم مورد تأیید همه علما است . ایشان را که آقای لاهوتی نمیشناسند منظور این بود که دیشب که خدمت آقای مولوی عبدالعزیز بودیم گفتند که ما دیروز خدمت امام بودیم .

فردوسی - آقا ، این مسائل را قاطی نکنید .

رئیس - آقای بیانی مطلبتان را بفرمائید .

بیانی - مطلب این بود که ایشان مورد تأیید مولوی عبدالعزیز بودند برای اینکه گفتند ما اولین مرتبه ایشان را برای دانشگاه اسلامی زاهدای پیشنهاد کردیم . ایشان قبول نکردند (مهمه نمایندگان - زنگ رئیس) .

رئیس - آقای ریگی بفرمائید .

ریگی - صحبتی که اینجا شد درست مخالف صحبت‌هایی است که مرتب از اینطرف و آنطرف میشود . صحبت بر این است که آقایانی که ما اسمشان را نمیبریم عدم صلاحیت بنده را تأیید کردند یکی از آقایانی را که صحبتش میشود اسم بردیم جناب آقای مولوی عبدالعزیز است که یکنفر شاهد است که ایشان تصادفاً دیروز آمده و مادر خدمت ایشان رفتیم و صلاحیت بنده را از هر نظر تأیید کردند که دونفر اینجا حی و حاضر دیروز شاهد هستند این یکی از مسائل ، مسأله بعدی ، میگویند استاندار صلاحیت بنده را تأیید نکرده ، اولاً استاندار چه حقی دارد که یکنفر که میخواهد بعنوان نماینده مردم به مجلس بیاید صلاحیتش را تأیید کند و در ثانی بنده اصرار دارم که هیچگونه مدرک و سندی که جناب آقای بهرامی صلاحیت بنده را تأیید نکرده وجود خارجی ندارد .

فردوسی - اسنادی را که آقای دکتر یزدی ارائه دادند جواب بدهید .

یکی از نمایندگان - آقای دکتر تذکر بدهید که اتهامات را جواب بدهند (رئیس - جواب میدهند) جواب نمیدهند . انحرافی صحبت میکنند جنابعالی هم تذکر نمیدهد .

ریگی - بنده استعفا را داده‌ام و روی آن استعفا ایستم دلیل (مهمه نمایندگان - زنگ رئیس) .

عابدین زاده - استعفا پذیرفته نشد به اتهامات جواب بدهید .

یکی از نمایندگان - تو صلاحیت نداری که استعفا بدهی .

یکی از نمایندگان - جواب اتهامات را باید بدهید .

ریگی - بنده اینجا آمده‌ام که مبادا تلقی بشود که استعفا من ...

فردوسی - طرح استعفا غلط است آقای دکتر بایشان تذکر بدهید صلاحیت

ایشان مردود است ایشان استعفا را مطرح می‌کنند و شما تذکر نمیدهد .

مولوی نظر محمد - بگذارید هر جوری میخواهد دفاع بکند (فردوسی -

دفاع کرد) شما جز و هیأت رئیسه نیستید چرا یک شخصی که میخواهد از خودش دفاع کند نمیگذارید خودش جواب بدهد چرا اینقدر جرو بحث می‌کنید بگذارید دفاع بکند .

یکی از نمایندگان - دفاع نمی‌کند (زنگ رئیس) .

خسرو ریگی - بنده در مقابل حمله و خشونت احساساتی نمی‌شوم ولی در

مقابل اظهار محبت احساساتی میشوم و از جناب آقای مولوی نظر محمد که برای بار دوم به دفاع از بنده ایستاده است تشکر میکنم .

یکی از نمایندگان - وقت مجلس را نگیرید دفاع کنید .

رئیس - آقای ریگی بفرمائید .

ریگی - صورت جلسه‌ای بنده دارم برای صحبت‌هایی که در مورد انتخابات و صحت انتخابات میشود ، در صحبت اولیه‌ام گفتم که بنده واقعاً مربوط نیست اشخاص دیگری میباید اظهار نظر کنند ولی بنده یک صورت جلسه‌ای دارم که مختصری از آنرا میخوانم . در روز پنجشنبه مورخ ۹/۱/۳۰ جلسه هیأت اجرائی انجمن نظارت مرکزی خاش با حضور آقایان جعفر آبائی و محمدحسین کریم‌پور احمدی نمایندگان اعزازی وزارت کشور در محل فرمانداری تشکیل گردید با تماسهای تلفنی که چندین مرتبه با مسؤولین اسر در وزارت کشور حاصل شد با ارشاد و راهنمایی آنان با توجه به صورت جلسه مورخ ۹/۲/۲۳ انجمن نظارت مرکزی در مورد شکایت آقای خاشی که باز کردن صندوقها را موقوف به آمدن بازرسی وزارت کشور نموده بودند انجمن نظارت و هیأت اجرائی تصمیم گرفتند که کلیه صندوقهای حوزه انتخابیه در حضور بازرسی فوق‌الذکر باز و بازدید بعمل آید و اوراق مزبور کنترل و شمارش گردد کلیه صندوقهای حوزه شهرستان خاش شامل شهر - بخش - حومه - نوك آباد - میرجاوه - نصرت آباد - کاملا مورد بررسی قرار گرفت . اوراق بانه‌چکها کاملاً مطابقت و مجدداً شمارش گردید مواردی که از نظر اخذ آراء در صندوقها مشاهده گردیده است عبارت است از : در مورد تاریخ تولد رای دهندگان که بعضاً متولد هزار و سیصد و چهل و سه یا بالا بودند و بعضی‌ها احتمالاً به جای تاریخ تولد شماره شناسنامه یا تاریخ صدور قید نموده‌اند و یا تاریخ تولد بسال شاهنشاهی بوده است مثلاً از رای دهنده‌ای که تاریخ تولدش ۲۰۲۷ بوده اخذ رای بعمل آمده بود که این هم مسلماً بعلت آشنا نبودن تاریخ شاهنشاهی و تبدیل آن به تاریخ شمسی صورت گرفته است موارد دیگری هم عدم قید تاریخ تولد یا بعضی تعرفه‌ها فاقد امضاء نماینده فرمانداری یا بخشداری و منشی شعبه بوده است . و در شمارش آراء هیچگونه اشتباهی مشهود نبود موارد مذکور در تمام صندوقها اعم از صندوقهای محلی محل استقرار طرفداران شاکی و محل کاندید برنده مشاهده گردید موارد اشاره شده فوق میباشد که تقریباً بر اثر سهل‌انگاری ماسورین ثبت نام و مراجعه رای دهندگان صورت گرفته است ضمناً آراء اخذ شده در چهار نسخه بطور تفکیک وسیله بازرسان و اعضای هیأت اجرائی و انجمن نظارت مجدداً شمارش گردید که ضمیمه میشود نتیجه . با توجه به کلیه موارد فوق و بررسی دقیقی که از صندوقها به شرح برگ‌های پیوست معمول گردید چنین استنباط میشود که هیچگونه تعدی در کار نبوده و تقلب عمومی صورت نگرفته است و موردی برای ابطال صندوقها به نظر نمی‌رسد . ادامه دارد در زیر این امضاء انجمن نظارت و بازرسی اعزازی وزارت کشور و آقای جعفر آبائی و محمدحسین کریم‌پور است . اعضای انجمن نظارت که گفته میشود وابسته به آقای ریگی هستند عبارتند از : آقای خلیفه جهانگیر نارویی رئیس - احمد ریگی فیروز آبادی نایب رئیس - خداپخش کردی منشی - محمد نورملازهی منشی حاج حسین سهراب زهی عضو - حاج عبدالواحد یادگاری عضو - مولوی حمزه حسین بر اعضای هیأت اجرائی - انوشیروان ریگی فرماندار - غلامعلی میر ، رئیس دادگاه - امان‌الله کهرانی ، رئیس آموزش و پرورش - حسین پژوهیده عضو - خانم کرم‌پناه عضو - تقی عطائی رئیس ثبت احوال - مولوی عبدالستار کرد عضو - مولوی حافظ نماینده شورای شهر - محمدحسین اعرابی عضو . محمدحسین اعرابی را فقط خدمتستان عرض بکنم که ایشان تنها پیشوای اهل تشیع در شهرستان خاش است ، این آقایان این را امضاء کرده‌اند و بر مبنای این گزارش اعتبارنامه را صادر کرده‌اند به بنده داده‌اند و من هم آمده‌ام خدمت آقایان به دلیل این شکایات و معطل بودن بازرسی و باز شمارش اینها ، پنج ، شش روز بعد از انتخابات این اعتبارنامه توقیف بود و بعد صادر شد و به بنده دادند خدمت شما عرض کنم که آقایان در مرحله اول انتخابات نمایندگان بودند از فرمانداری از مردم محل تا کارمندان شهرستان خاش و در ضمن ناظرینی هم بودند از طرف تمام کاندیداها ، اغلب آنها هم ناظرینی نداشتند و بعضی‌ها داشتند ، و بعضی‌ها هم برای چند جا داشتند ، و بعضی هم فقط برای چند صندوق داشتند ، در مرحله دوم به دلیل بخشنامه‌ای که از وزارت کشور آمد کاندیداها حق حضور ناظر بر صندوق نداشتند ، چون اعتراضاتی بود و اگر آدم محلی را برای صندوق می‌گذاشتند می‌گفتند که یا وابسته به این دسته است یا وابسته بان دسته است آقایان هیأت نظارت و هیأت اجرائی خودشان



می گوئید این آقایان چنین و چنانند. آقا حساب بنده جدا است. هستند آقایانیکه در اینجا می دانند، شاهدند که کار وزندگیم این بوده که انقلاب اسلامی ایران را که به بلوچستان دیررسید بنده به آنجا برسانم قبل از انقلاب کارمهمی نیست که اینجا در مقابل فعالیت های انقلابی آقایانیکه اینجا حضور دارند تعریف و توصیف کنم ولی یک کاری است که بنده کردم و بنده وقتی که وارد بلوچستان شدم و به مسجد تشیع رفتم بلی، صحیح است، بنده خبر نداشتم که مساجد ایران و اهل تشیع چنان انقلابی شده است من از دور شنیده بودم. اصلا برای من قابل قبول نبود شیفته شدم احساساتی شدم من یک آدم بلوچ و سنی حنفی هستم. میرفتم به مسجد تشیع، جناب آقای حاج کفعمی بنده اسمشان را می آورم ایشان زنده و حاضر است اصرار می کرد آقای دکتر ریگی تو آدم سرشناسی هستی لباس بلوچی بپوش و به جلو صف راه یافت و در این راه پیمائی ها شرکت کن چرا؟ چونکه فرمانده نظامی منطقه از مسائل شیعه و سنی از مسائل فارس و بلوچ، علیه انقلاب اسلامی ایران قبل از انقلاب استفاده نکنند و چماق بدستهارا نیاورند و بگویند که آقا بزیند که شیعه اند، بزیند که فارسند، چند نفر من و همکاران و همراهان و هم عقیده های بنده در جلو صف بالباس بلوچی راه می افتادیم که آقا این انقلاب همه گیر است و همه در آن شرکت دارند. فارس، بلوچ، شیعه و سنی، بنده اصرار دارم که یکی از افتخارات بنده در این است که نه تنها من با عده دیگری که البته جزء این عده بودم که باعث شدم با اجازه جناب آقای مولوی نظر محمد این رایگوم بنده باعث تحرک انقلابی در مساجد تسنن در زاهدان شدم (همه هم نمایندگان - زنگ رئیس)

کیاوش - آقای رئیس بنده عرضی دارم (رئیس - خیر وقت ندارید آقا) راجع به امنیت مملکت می خواهم صحبت کنم.

رئیس - بفرمائید، بفرمائید.

متکی - لطفآ زمان آغاز فعالیتان را بگوئید (همه نمایندگان - زنگ رئیس) رئیس - بگذارید آقای ریگی حرفش را بزنند.

ریگی - بنده هیچوقت آقای اردشیر زاهدی را ندیدم. در هیچ کنگره ای که ایشان شرکت داشت بنده نبودم.

خلخالی - خودت گفتی که «به خدمت شاه رفتم» (ریگی خیر، خودت گفتی).

ریگی - حالا اجازه بفرمائید یکی یکی عرض می کنم جناب آقای خخالی.

(خلخالی - بحث زاهدی نبود) در صحبت آقای دکتر یزدی اینجا اشاره ای بود (همه نمایندگان - زنگ رئیس).

خلخالی - من کاری ندارم دیشب نگفتی. گفتی یا نه؟

ریگی - الان عرض میکنم خدمتستان (رئیس - آقای خخالی اجازه بفرمائید) جناب آقای خخالی لطف بفرمائید که خودم عرض بکنم. هر چه بمن بچسبید... (خنه نمایندگان - زنگ رئیس)

رئیس - آقای خخالی بفرمائید. (زنگ رئیس - همه نمایندگان).

خلخالی - یک آدمی که به آمریکا رفته و در راه بوده و در آنجا زن گرفته است مردم فقیر بلوچستان که به مستراح احتیاج دارند، شما نمیتوانید نماینده انقلابی باشید که انقلاب را به سیستان و بلوچستان صادر بکنید. رئیس - آقای ریگی شما حرفتان را ادامه بدهید.

ریگی - فعالیت به نفع شاه هیچوقت به من نمی چسبید این یکی از ناچسبید ترین وصله هائی است که شما اصرار دارید که به من بچسبید. محال است، خدمتتان عرض بکنم شاه را به انجمن سالیانه دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا در نیویورک دعوت کردند. اشخاصی هستند زنده و حاضر که در آنجا ما با حضور ایشان مخالفت کردیم به اینکه به شاه عضویت افتخاری دادند مخالفت کردیم و بالاخره در شبی که جشن گرفتند برای ایشان، و میهمانی دادند در گوشه ای از سالن ما جشن را به هم ریختیم و گوجه فرنگی پرتاب کردیم. این حقیقت مطلب است اصراری بنده ندارم که خودم خدمت ایشان مطرح بکنم ایشان فقط آن گوشه اش را مطرح میکنند که من شاه را دیدم. آقایان خدمتتان عرض کردم که در ۲۶ مرداد روز بعد از کودتای ننگین زاهدی در میدان بهارستان بودم در میدان بهارستان صحبت بود، وسط صحبت قطع شد یکی آمد گفت در حدود یک و یا دو بعد از ظهر خبر رسید که متاعی که قرار بود به تهران بیاید. به بغداد رفت همه ما فهمیدیم چیست دوسه تانیه سکوت. مردم دور خودشان حلقه زدند و گفتند «ما شاه نمیخواهیم» اولین شعاری که بنده با صدای بلند به حضور جمعی دادم

تصمیم گرفتند که برای مأمورین صندوق، نمایندگان فرماندار از برادران پاسدار استفاده شود. چون آقایان هم با سواد هستند و هم به عشایر و عشیره های مختلف وابسته نیستند. این آقایان مسؤول صندوق بوده اند. و هر دو طرف کاندیداها موافقت کردند بدین مناسبت ما خاطرمان جمع بود که ناظری که طرف را مواظبت کند لازم نداریم و این انتخابات اینطور انجام گرفت. شکایت آقای خاشی بازرسی و بررسی شد و این هم صورتجلسه است که از نقطه نظر من این صورتجلسه درباره صحت انتخابات کافی است که من درباره صحت انتخابات صحبت بکنم، اگر تقلبی شد آقای فرماندار مجرم است. ایشان نباید فرماندار بشود، لغو قوانین انتخاباتی را کرده است، باید تحت تعقیب قرار بگیرد. پسر عمه بنده باشد یا نباشد، شما نمایندگان محترم قانونگذار هستید و باید دنبال اجرای قوانین بروید ایشان پسر عمه بنده بود در آئین نامه آمده که بستگان درجه اول نباید باشند ایشان بدینجهت استعفا نداده در مرحله دوم ایشان تقاضای مرخصی کرده است، مرخصی قبول نشد ریاست هیأت اجراییه را بدست رئیس دادگاه داده است ایشان در مرحله دوم رئیس هیأت اجراییه شده است و از طریق برادران پاسدار انتخابات را انجام دادند حالا میگویند آقا شناسنامه آوردند و بردند، خدا آگاه است. بنده دخالتی نکردم و به این صورتجلسه که به امضاء آقایان است اطمینان دارم که تقلبی نشده است، این آقایان را بروید و ببینید و پیرسید، اینها وابسته به مانیستند اسم هایشان را خدمت شما خواندم، هیأت اجراییه که جلوجلوانتصابی است و شما خبردارید، رؤسای امور هم هیچکدام ریگی نیستند به جز آن فرماندار. اینکه صحبت از صلاحیت صحت انتخابات میشود ولی صحبت های دیگری که جناب آقای دکتر یزدی اشاره فرمودند. یکی از صحبت های حاشیه ای که بنده گفتم کمیسیون تحقیق، تحقیق صحیحی نکرده است روی صحبت بود که با خود آقای دکتر یزدی داشتم. امام بخش ریگی شهید طایفه ریگی و فامیل ریگی پدرش اصرار دارد، بنده همین جا تکراف و نامه از طرف ایشان دارم که به امضای ایشان است و به اتفاق همسرش شهید مهندس نیک بخت که آقایانی به اساسی برهان زهی اسم کوچکشان را نمی آورم و این آقایانیکه رقیب انتخاباتی بنده بودند بخصوص برادر ایشان در این قتل شرکت داشتند. من در مرحله کمیسیون تحقیق تلگرافاتی از این آقای محمد ریگی پدر امام بخش که همیشه می نویسد (چگرپاره من امام بخش) چنین و چنان شده که این آقایان راستهم کرده است بنده این را به کمیسیون تحقیق دادم و با اکراه هم دادم زیرش هم نوشتم اتهاماتی است و بنده اصرار ندارم که صحیح است، از طرف این آقایان داده میشود این مطالب احتمالا دلالی است که آقایان دارند یک اتهامات دیگری بما می زنند که بعداً رد و بدل به رضایت نامه بکنند. این را بنده به کمیسیون تحقیق داده بودم بعد از اینکه کمیسیون تحقیق کارهایش را کرده بود من با آقای دکتر یزدی در راهروهای اینجا تماس داشتم گفتم آقا چنین شد و چطور شد و فلان شد گفت «بلی، همچو شد و فلان شد» و امام بخش ریگی را که می گویند تقی ریگی کشته است و شخصی که خودش را بنام پدر امام بخش ریگی به شخص ایشان معرفی کرده است در مسجدهای زاهدان آمده و گفته که آقا امام بخش ریگی پسر بنده راتقی ریگی کشته است. در صورتی که صدنوع نامه و تلگراف هست که پدر ایشان الان حاضر است شما اگر اصرار دارید که به حقانیت این مسأله پی ببرید یکی از حاشیه های بفرنج این مسأله است ایشان را ما به اینجا می آوریم، هر جا که شما بفرمائید ایشان به آقای دکتر یزدی نگفت که چنین و چنان است و نامه او تلگرافاتی را هم که بنده داشتم و خدمت ایشان داده بودم ایشان که مخبر کمیسیون تحقیق هستند اصلا خبر نداشتند بنده یک کپی دیگری را علاوه بر نامه هائی که به کمیسیون تحقیق داده بودم خدمت ایشان دادم و اصرار داشتم که لااقل این نامه را به من پس بدهید. تلگرافی است که در دوسه هفته قبل به اتفاق همسر شهید مهندس نیک بخت و پدر امام بخش ریگی امضاء شده که این آقایان متهمند ولیکن ایشان اصرار دارد که خبر دارد که تقی ریگی این کار را کرده است. بهر حال تقی ریگی به بنده مربوط نیست اگر تقی ریگی جرمی کرده است این جرم را شما باید به گردن تقی ریگی بیندازید. خسرو ریگی چرا؟ خسرو ریگی یک رابطی بوده، بلی بنده با جاوید شاهی های بلوچستان و حتی طایفه ریگی قبل از انقلاب سرچنگ داشتم. بنده سعی کردم که انقلاب را به این طایفه و به بلوچستان بکشانم این را بنده از افتخارات خودم می دانم شما طایفه ریگی را یکپارچه حساب می کنید، تمام آدمهایش را یکجور و یک رنگ حساب می کنید و



مبهم گذاشته اند حالا اگر فکر می فرمائید بر اینکه اکثریت موافقت که اعلام رأی نشود و استعفای ایشان پذیرفته بشود قیام بفرمائید (همه نمایندگان).

منشی - آقایان توجه بفرمائید پیشنهاد آقای دکتر سعیدی این است که آیا آراء قرائت بشود یا خیر؟ (همه نمایندگان).

رئیس - آقایانیکه با اعلام رأی در مقابل استعفای آقای ریگی موافقت دارند... (همه نمایندگان)

منشی - جناب آقای قره باغ اگر شما نخواهید مقررات را رعایت کنید جلسه را نمی شود اداره کرد.

قره باغ - پیش از خواندن آراء به این پیشنهاد رأی بگیرید چون آقای ریگی پیش از قرائت آراء استعفاء داده اند آیا استعفای ایشان قبول شود یا آراء اخذ شده قرائت شود.

رئیس - من هم همین مطلب را گفتم. (همه نمایندگان).

آیت - من تذکر آئین نامه ای دارم.

رئیس - آقای آیت بفرمائید.

آیت - در این جا بحث نیست که چرا استعفای ایشان قبول نشده است. زیرا ایشان می توانند استعفا بدهند. مسأله مهم اینست که مجلس موظف است نظرش را روی اعتبارنامه ایشان چه استعفا بکند و چه نکند ابراز کند. زیرا ایشان دفاع کرده است و ایشان را نمی شود با آقای مطهری مقایسه کرد. مثل خانمی میماند که ازدواج را قبول کرده است. قبل از ازدواج و بعد از ازدواج یک کلمه «بلی» است. ایشان که یک ساعت صحبت کرده است بنابراین مجلس باید روی این یک ساعت صحبت نظر بدهد. اینکه دوستان می گویند رأی نمی شود داد حتماً باید رأی گرفته شود تا نظر مجلس در صورت مذاکرات مجلس درج شود.

(اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به قرار زیر اعلام شد)

رئیس - عده رأی دهندگان ۱۹۵، نفر موافق ۳۷ نفر، مخالف ۹۸ نفر، مستمع ۶۰ نفر بنابراین اعتبارنامه آقای ریگی رد شد. (تکبیر نمایندگان).

۴- پایان جلسه و تاریخ تشکیل جلسه آینده

رئیس - جلسه ختم می شود. جلسه بعد فردا ساعت ۹ صبح خواهد بود.

(ساعت سیزده و سی دقیقه جلسه پایان یافت)

رئیس سنی مجلس شورای جمهوری اسلامی ایران - دکتر پداته سعیدی

این بود که (ماشاه نمیخواهیم) بنده وقتی که وارد آمریکا شدم هستند کسانی که حی و حاضر هر جا که جمعی از ایرانیان بودند، بهر دلیل مهمترین دلیلی که جمع زیادی را در منطقه منیاپولیس جمع می کرد اول که بنده رتبه ۲۵ نفر ایرانی بودند بعد از ۱۰ سال به ۷۰ - ۸۰ نفر رسید. بزرگترین جمعی که تشکیل میشد جمع جشن عید نوروز بود.

رئیس - آقای ریگی توقف بفرمائید، بقدر کافی شما مطالبتان را بیان کردید (همه نمایندگان) ۱۱ نفر تقاضای کفایت مذاکرات کرده اند آقایانیکه با کفایت مذاکرات و بلافاصله رأی گرفتن موافقت قیام کنند (اکثر برخاستند) کفایت مذاکرات تصویب شد بنابراین حالا رأی گرفته میشود.

انصاری - آقای محمدی نماینده گرگان تذکر آئین نامه ای دارند.

رئیس - بفرمائید.

محمدی - آقای دکتر سعیدی بنده قبل از رأی گیری تذکر آئین نامه ای دارم. عرض این است وقتی که قبل از اعلام رأی گیری آقای ریگی استعفاء داده اند عقد که نیست که توافق شما ضرورت داشته باشد استعفا یک حرکت ایقاعی است که خود این فرد خواسته است. بنابراین شما که نمی توانید بزور بخواهید شما موظف به رد یا قبول هستید شما حق داشتید در باره حرفهائی که ایشان دیروز گفتند اجازه بدهید که آقایان توضیح بدهند اما شما میخواهید رأی بگیرید که ایشان به زور برگردند به مجلس. به علاوه وقتی آقایان رأی دادند شما درباره استعفای ایشان چه نظری دارید. بنابراین استعفای ایشان شرطش قبول شما نیست و اصلاً جای رأی گیری نیست. چون استعفا داده اند و تمام شده است. سالبه به انتفاء موضوع است.

الویری - اکثریت نمایندگان با رأی گیری مخالفند.

انصاری - اکثریت در رأی گیری شرکت کردند پس مخالف نبودند.

امامی کاشانی - اعتقاد من بر این است که پارسائی اسلام اجازه نمیدهد که استعفای ایشان رد بشود آن زمانی ایشان استعفايش قابل پذیرفتن نبود که آقای ریگی کمیسیون تحقیق را ظالم و خودشان را مظلوم تشخیص دادند ولی با گزارشات آقای دکتر یزدی معلوم شد کمیسیون ظالم نبوده و ایشان هم مظلوم نبوده بنابراین با اکثریت آراء برود بیرون.

یکی از نمایندگان - ایشان هنوز نماینده نشده است که بتواند استعفا بدهد.

رئیس - آقایان توجه بفرمائید قبل از اینکه اعلام رأی بشود هنوز هم همان مرحله است چون آقای ریگی که قبلاً استعفایشان را داده بودند حالا